

(چه آبهائی که فوت کرده بودند و چه آبهائی که هنوز در قید حیات بودند) دیده بود و  
 ما برای این میتوانست از دوا و این آنها اسعار بیشتری را احتساب نماید در هر حال  
 معلوم نیست علت این اختصار و ایجاز عدم فرصت بیشتری بوده یا عدم توجه خود مؤلف  
 باین موضوع

رویه مرفته اگر از بعضی اختصار فوق العاده صرف نظر کنیم از حیث اصالت مطالب  
 این تذکره جزو بهترین تذکرها و دورانی اورنگریب عالمگیر شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹)  
 میباشد

گاهی آثار مشهور شعرا را نیز بطور نمونه آورده است مثلاً رجوع شود به شرح  
 حال شاه نعمت الله و شکر الله خان و میرزا خلیل حراسانی و ناصر علی و بیدل<sup>۱</sup>  
 مؤلف شرح حال شعرای زیر را نسبتاً مفصل آورده است

رودکی و امیر خسرو و حواجه حس و عبدالرحمن حامی و ظهوری و عرفی و صائب  
 و طاهر کسمیری و محسن فانی و شیخ عبدالعزیز نوسر فرار (هر کدام در یک صفحه) و  
 عبیدراکابی و عیسی و قدسی و باطم هراتی و حنریهان و ملا فطرت و بیدل (هر کدام  
 در ۱ صفحه) و فردوسی و شیدا و شاه نعمت اله و محمد علی ماهر و نواب عاقل خان  
 و شکر الله خان (هر کدام در ۲ صفحه) و محمد سعید قرسی (در ۳ صفحه) و ملا شاه (در ۳  
 صفحه)

رویه مرفته شرح حال ملا شاه را از همه مفصل تر آورده است

هر کدام مؤلف نمونه اشعار شعرای زیر را نسبتاً مفصل آورده است کمال الدین  
 اسمعیل قدسی و شیدا و ملا فطرت و محسن فانی (هر کدام در یک صفحه) و شاه نعمت اله  
 و بیدل (هر کدام در ۱ ص) و محمد سعید قرسی (در ۲ صفحه) و شیخ عبدالعزیز نوسر -  
 فرار (در ۳ ص) و رویه مرفته نمونه اشعار نوسر را از همه م

گاهی بعضی اصطلاحات و اشعار را شرح داده است (رجوع شود به

و حافظ)

۱ - در دیل نام آورقمه ای (نامه ای) را از خود هم نقل کرده است  
 ۲ - در دیل نام او دو رقیه (نامه) را از ناصر علی نقل کرده است

در دیل نام فیض علی حلیم اسعار عربی را ہم از او نقل کرده است  
سنگ اسای مؤلف غالباً سادہ و غیر مصوع است اما در موقع تعریف شعر بعضی  
جملہ ہارا بہ شعر مصوع و گاہی بشر مسجع آورده است

### سج خطی

- ۱ - اشپرنگر ش ۱۴
- ۲ - نادلیں س ۳۸۴ (۱۱۳۳ھ) و س ۳۷۵ (۱۲۱۳ھ).
- ۳ - بلوسہ ح ۲ س ۱۱۵۲ (اوایل قرن ۱۸م) و س ۱۱۵۵ (اواسط قرن ۱۸م)
- ۴ - بانکی نور دیل ح ۱ س ۱۷۸۵ (مورح ۱۱۴۱ھ)
- ۵ - ایوانو س ۲۲۳ (مورح ۱۱۴۱ھ) و س ۲۲۴ (اواخر قرن ۱۸م)
- ۶ - اہ ش ۶۷۳ (۱۱۴۷ھ) و س ۶۷۴ (قسمت ساعرہ ہا ندارد و تاریخ ہم  
ندارد)
- ۷ - ریو ح ۱ ص ۳۶۹ (قرن ۱۸م) و س ۳۷۱ الف (۱۱۸۳ھ) و س ۳۷۱ الف  
(ناقص الاخر - قرن ۱۸م)
- ۸ - آصفیہ ح ۱ ص ۳۲۴ س ۲۵ (۱۱۲۱ھ) س ۶۲ (تاریخ ندارد) ص ۱۷۰  
س ۲۴۳
- ۹ - لندربانا ص ۲۲۲ س ۳۱۶ (در حدود ۱۸۰۰م)
- ۱۰ - اوامر س ۴ (۱۲۲۰ھ)
- ۱۱ - برلن س ۶۵۰ (۲) (بہریداً نیک چہارم اول کتاب — ۱۲۴۲ھ)
- ۱۲ - دانسگاہ لاهور (ناقص الاول و آخر - رجوع سودنہ اور دیل کالج مگرہ میں  
لاہور - ح ۸ س ۱ مورح نوامبر ۱۹۲۶ م ص ۷۴)
- ۱۳ - مؤسسہ روزن س ۳۲
- ۱۴ - بحارا فہرست سمو پوف س ۱۰۴
- ۱۵ - بیساور س ۱۴۷۱

### چاپ کتاب

۱ - کلکته ۱۲۴۶ ه .

۲ - بریلی ۱۲۶۲ ه (رجوع شود به اشیر نگر س ۱۴)

۳ - بمبئی مطبع مطهری ۱۳۲۴ ه

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به دلائل ستونهای ۲۰۷ - ۲۱۱

برای شرح حال مؤلف : رجوع شود به مرآت الحیال و استوری ح ۱ ق ۲ ص ۸۲۴

تذکر

کتابی به همین نام (مرآت الحیال) از تألیفات تاسی رام بر دویی چند است که

داستان عشقی است به شر (برای نسخه آن رجوع شود به اندیا آفس ح ۲ ص ۳۰۶۹) .



## همیشه بهر بار

ابتدا

« ای دگر تو گلبروس نازار سخن

رنگین و تو برگ برگ گلزار سخن

اوصاف تو دیباجه مجموعه حسن

توصیف تو مشاطه رخسار سخن »

سخن الله دهی رتبه سخن که اگر او را میوه بیش رس بوستان مظاهر تحلیات

گوناگون حواصم بحاسب و اگر باعث سووینمای اتحار ووصاف اینس و آفاقی موافق

امر کن گویم سرا»

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب کسر چند متخلص به اخلاص است سمیق دره گل رعد» او را

حهان آبادی (دهلوی) میویسد اسم پدرش احل داس دهلوی است که مرث وی

مرکز فضلان بود و وی در شعر ساگرد میرزا عبدالعنی قبول کشمیری بود<sup>۱</sup> وی ارفوم  
کپتری بود و پدرش مشرب درویشی داشت و غالباً در صحبتهای صاحب کمال  
سر میبرد<sup>۲</sup>

اخلاص در زمان حیات پدرش کاردهاری (که برسان اردو پیکیتی گویند)  
یاد گرفت بعد از آن شعر گوئی متوجه و مایل شد وی در زمان احمدشاه (۱۱۶۰-  
۱۱۶۷ هـ) فوت کرد<sup>۳</sup>

### تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۱۳۶ هـ تألیف کرده است چنانکه به قول خودش عدد اسم  
آن «همیشه بهار» (= ۵۶۸) دو برابر کرده سال تألیف کتاب را میرساند  
این تذکره مشتمل است بر شرح حال و نمونه آثار سیصد و هفت شاعر<sup>۴</sup> بر ترتیب  
الفبا از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و با «امیر جان انجام» شروع شده با «احمد یار خان  
یکتا» تمام میشود این تذکره در ناره شعرائی است که در زمان جهانگیرساز (۱۰۱۴-  
۱۰۳۷ هـ) تاجلوس محمدساز (۱۱۳۱ هـ) می ریسند و همجنس بعضی شعرا که در زمان  
اکبرساز (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) بودند بر در این تذکره مدکورند  
مؤلف بر شرح حال «الاشیدار» (در سنن صفحه) و اشعار کلیم کاسانی را (در چهار صفحه)  
مفصلتر از همه آورده است

سکنا سالی مؤلف در دیباجه مصروع و گاهی مسجع است ولی شرح حال شعرا  
را نسیه بر دان ساده تر نوشته است

۱ - ر ك گل رعنا در دلیل نام «اخلاص جهان آبادی» .

۲ - ر ك گل رعنا در دلیل نام «اچلداس»

۳ - ر ك دیوح ۴ ص ۱۰۸۶

۴ - استوری تقریباً دو بیست شاعر (ر ك استوری ج ۱ ص ۸۲۶)

۵ - سجه «حدانجش» (نامکی پوز) با «میرزا حلال اسپر» شروع میشود و «انجام»

آن شاعر هشتم است و در سجه اندیا آفس «امیر الهی» شاعر اول است و «انجام» آن شاعر دوم است  
ولی در سجه اشیرنگر «انجام» شاعر اول است .

## نسخ خطی

- ۱ - اشپرنگرش ۱۶
  - ۲ - اندیا آفس ش ۴۴۰۱ (مورح ۱۱۳۸ هـ)
  - ۳ - آتہ ش ۶۷۸ (مورح ۱۱۳۹ هـ)
  - ۴ - لندریانا ص ۱۵۶ س ۳۲۳ (قریب ۱۸۳۰ م)
  - ۵ - بانکویور ح ۸ ش ۶۸۹ (مورح قرن ۱۹ م)
  - ۶ - آصفیہ ح ۱ ص ۳۱۸ س ۱۳
- برای شرح حال مولف : رجوع شود به همیشه بہار و گل رعنا و صحف ابراہیم  
و محرن العرایب ش ۲۶۰ و اشپرنگرش ۱۱۷ و ریوح ۳ ص ۱۰۸۶ ب  
فہرست اسامی شعرا  
رجوع شود بہ اشپرنگرش ۳۰-۱۱۷ و ریوح ۳ ص ۱۰۸۶ ب

## سفینہ بدیخبر

افتدا «سررشتہ سخن بس سخن آفرینی میرسد کہ در نظم کلاش ہیچ حای سخن  
بیب حل شاہ و سلسلہ حدیث متہی نامی سب کہ در باب علمش مجال دم ردن بی  
صل اللہ علیہ وآلہ وسلم»

## شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب میر عظم اللہ متخلص بہ بیحرد معروف بہ «مہار صاحب»  
و اسم پدرش (سید العارفین) میر سید لطف اللہ معروف بہ لدها متخلص بہ احمدی است  
و وطن مؤلف بلگرام ارالکہ قنوج است و مولف رسادات حسینی واسطی است  
حوشگو در سعید خود در ذیل احمدی میویسد کہ سید لطف اللہ متخلص بہ احمدی

۱ - حوشگو شاہ دلہا (شاہ دولہا)

در ۱۰۵۳ هـ دنیا آمد و بعد از عنوان سبب در خدمت اکثر علمای دین و اصحاب یهون  
 رسیده و از صحبت آنها کسب فیض نموده چندی در سر کار حاجت خان سبب سپاهگیری  
 گذرایید و از جمله چهل تن که بجزو حلاله و مردانگی اشتها داشتند بود پس  
 بیست و دو سالگی اردبیل قطع بملق نموده و دستجوی حاجت خان بر آمد تا اینکه در بلده برها پور  
 خدمت شاه برهان سغازی رسیده چندی در خانه وی مانده و از صحبت پر فیض وی استفاده  
 کرد ( بعد از مرگ شاه برهان ) خدمت میر عبدالخلیل ( بلگرامی ) رسیده تسکین قلب  
 رسانید پس در خدمت میر سید احمد کالپی رسیده و دست ارادت بدامن تر بیت وی زد  
 ( احمدی تجلص بمناسبت اسم همین پیر اوست ) بعد از مرگ سید احمد مر نوروی بلگرام  
 وطن اصلی خود مراجعت نموده فربت شصت سال در گوشه عزلت بدوق و شوق  
 گذرایید و پس بود سالگی سبب سه چهارم جمادی الاول سنه ۱۱۴۳ هـ داعی حق را  
 لیک گفت

بیختر آدم خوش دوفی بود و در شعر «تلاسهای رنگین» داسودر بصوف ببردستگاهی  
 بهم رسانیده و چند ساله در توحید و تصوف تألیف نمود شعرویی جنبه موحدا به و صوفیانه  
 داسه و وی چند مثنوی ببرد در همین موضوع ( تصوف و عرفان ) سروده بود وی بسیار خوش  
 صحبت و حدی و معشوق مردم بود و نا که مال ادب و حسن خلق با مردم رفتار میکرد  
 بیختر خط سگسته خوب می نوشت و شعر هم خوب میگفت و ناسعرا ای معروف زمان  
 خود صحبتها داسه مخصوصاً میر را بددل از صحبت وی بسیار محظوظ میشد مؤلف  
 در سفینه خود مجلس خود را نامیر را بددل بیان کرده است  
 مؤلف ناموسیعی و بیون دیگر بیز آشنائی کامل داشت  
 خوشگون بعل میکند که بیختر در دستجوی کار با گره رفته بود اباقا محمد  
 عاشق هم در خدمت صوبه دار ( سانداز ) که لشکر بهار استخدا م می نمود حضور داسه  
 چون بی خبر دیر رسیده بود عاشق این مصرع ناصر علی را برای وی خواند  
 « بیختر دیر رسیدی در منزل مستند »

آراد در «سرو آراد» می نویسد که در ۱۱۳۴ هـ بیختر و او را بلگرام تا ساهاجه بان

آناد (دهلی) همسر بودند

در آخر عمر بندهلی رفت آزاد در «مآثر الکرام» می‌نویسد که در وقت احتضار مردم از وی استعصار کردند که اگر حکم سود بعش را به بلگرام بفرستیم یا در این شهر (دهلی) حائی را اسحاق بفرمائید تا مطابقت آن عمل کنیم وی فرمود که این مشت حاک را هر حائی که خواسته ناسید بیاندازید

همچنین در حسن احتضار شخصی که او را در مسأله وحدت و خود با بیحضر راه سخن بود برسد حالا چه می‌فرمائید بیحضر جواب داد سخن مردان یکی است

وفات بیحضر در دوسه چهارم دوالمعدسه ۱۱۴۲ هـ یکسال قبل از فوت پدر در دهلی اتفاق افتاد و در همان شهر در حوال مرقد سلطان المسایخ بطام الدین اولیا برس شاهراه متعل بن دیوار شرقی باغ دریاخان لغای اعظم شاه بن سلطان اورنگزیب بحاک سپرده شد

آراد بلگرامی قصیده‌ای (مریضی) در وفات بیحضر اشاد کرد که هر مصرعش تاریخ فوت بیحضر را می‌رساند

مطلع و بیس بعد از آن اتفاقاً دو قافیتین شده است. این قصیده دو آریه بیت دارد که بیس اول آن تکرار زیر است

می‌رید خوش تالاطم نار عمان الم

۱۱۴۲

اشک می‌زیرد بروی روح مرگان قلم

۱۱۴۲

آثار مؤلف

آثار مؤلف تدین قراد است

۱ - سفینه بیحضر - کتاب مورد بحث

۲ - حد رساله در توحید و تصوف

۳. کلیات که منضم است بر پایه هر اریب<sup>۱</sup> از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی

### تصیره در کتاب

مؤلف در مورد سب تألیف در مقدمه این کتاب چنین توضیح داده است که طلب سخن بر هر کس واجب است بنا بر این مؤلف حواست که بعضی اسعار را از شعرای متقدم و متأخر در سفینه خود یاد کر اسامی و موطن آنها نب نماید بعضی از دوستان وی باو گفتند که هر گاه که قید نام و نشان شعر در میان آمدن کتاب بصورت تدکره میشود ولذا بهتر است که این سجع بجای خود علیه خود باسد و مولف هم طبق توصیه آنها عمل کرد اما اشعار متقدمین را حسب بطویل سجع از این جا جدا کرده تا نا آن اشعار مجموعه جدا گانه ای در سب کمدو در این سفینه بنا اسعار شعرای متأخر از زمان حبا بگیر شاه و شاه عباس صفوی بعد از عرفی و ثنائی تارمان مؤلف که عصر محمد شاه و محمود شاه افغان بوده آورده است

این کتاب سال ۱۱۴۱ ه<sup>۲</sup> تألیف شد و شامل احوال و آثار مختصر (۹) شاعر متأخر

به ترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنها میباشد

این سفینه با احمدی (بدر مولف) شروع شده با احمد یارحان یکتا تمام میشود مؤلف خودش در مقدمه اعتراف کرده است که در این مجموعه بعضی شعرائی هستند که ارده بیست شعر بیشتر نگفته اند و حتی بعضی ها کسانی هم هستند که حر یک بیست دیگر نگفته اند ولی طمق این شعر

یک بیت دعوی مسلم بود اگر مصرع عس مصرعی هم بود

اسم آنها را هم در این سفینه آورده است

این سفینه منضم است بر ۱۴۱ صفحه و شرح حال و اسعار اکثر شعرا بسیار مختصر

۱- رک سفینه خوشگو - ولی در «بشر عشق» هفت هزار بیت «در «سر و آداد» قریب

به هفت هزار بیت آمده است.

۲- رک مقدمه حرا به عامره که در آنجا آراد در سخن اسامی ما حد آن کتاب سال

تألیف سفینه بی حصر را ۱۱۴۱ ه<sup>۲</sup> ذکر کرده است



است و غالباً مؤلف حدکلمه برای معرفی اسم و تخلص ساعر و یک دو بیت از او بدل کرده است

شرح حال کلیه شعرا بسیار مختصر است (مثلاً رجوع شونده احمدی و ادهم و میرزا اسیر و دحیر (مؤلف) و غیره)

اسعار بعضی شعراء را مفصل ولی شرح حالشان را بسیار کوتاه آورده است بلکه غالباً در یک دو جمله و گاهی در حد کلمه آنها را معرفی کرده است مانند اوچی و الهی و ایچاد و شایور تهرانی و غیره

اسعار شعرای ریز را از دیگران مفصل تر آورده است. میرزا اسیر و بیختر (مؤلف) و ناصر علی سهرندی (سرهندی) و وحید قروینی

سکاسای مؤلف ساده و عاری از تصنع است و در سراسر کتاب مؤلف زبان ساده و آسانی بکار برده و از تکلف و عبارات برداری اجتناب ورزیده است

روی پیمرفته این کتاب از این حیث که مجموعه مختصری از اشعار شعرای آن دوره است دارای اهمیت و ارزش می باشد ولی چون فاقد اطلاعات مهم در باره زندگی شعراست نمیتوان آنرا جزو آرد گره های خوب و سودمند حساب کرد

البته مؤلف در اسباب اسعار و خوبی بیان داده و در این مجموعه مختصر اسعار خوبی را برگزیده است

### نسخ خطی

نسخه های از این کتاب در دانشگاه لاهور موجود است که ظاهراً تنها نسخه ایست از این کتاب که امروز در حاکمانده است

### برای شرح حال مؤلف

رجوع سودده، سیمه بیختر و سروآراد ص ۳۱۵ و ۳۲۵ و مآثر اکرام ح اول ص ۱۱۵-۶ و حرازه عا. ر. و سعیه حوسگو و ند کره بیطیر و نشتر عشق قد کر

اسموری اسم این تذکره را در فهرست خود بیاورده است و از خود این سعیه اصلاً اطلاع نداشته است

## مقالات الشعراء

ابتداءً «گلشن گلشن گلہای حمد و ثنا بیا رحبان عالی محید سخن آفرین»  
اسم مؤلف این کتاب شیخ قیام الدین متخلص بہ حیرت و اسم مدرس شیخ امان اللہ  
اکبر آبادی است

مؤلف در ورق ۲۸ (سجده متعلق بہ کتابہ بجا بہ رامپور) می نویسد کہ وطن آبائی او  
اکبر آباد (آگرہ) است و پدر وی نگارہای حروی مامور بود حیرت سی سال عمر خود را  
در لہو و لعب تلف کرد و بالآخرہ چند ماہ پیش از تألیف این کتاب (در ۱۱۷۳ھ) ہمراہ  
دیوان کشنچی بودہ و دیوان مر نور در خدمت بہا کر سور حمل معامطت اسرار است

### تصہرہ بر کتاب

حیرت این تذکرہ را سال ۱۱۷۳ھ تألیف کردہ است چنانکہ اسم این کتاب  
«معالات الشعراء» از روی حرف واحد میرساند

مؤلف در مقدمہ کتاب اسم کسر پر را کہ در تألیف این تذکرہ مورد استفادہ  
وی بودید ذکر کردہ است .

۱- تذکرہ والہ

۲- تذکرہ آرزو

۳- تذکرہ شوق (تذکرہ سعراى اردو)

این تذکرہ ہشتملسب برد کر صد و پنجاہ شاعر مباحر بہ بر سب العبا کہ از زمان  
اورنگ زیب شاہ (۱۰۶۸-۱۱۱۹ھ) تا زمان عالمگیر ثانی (۱۱۶۸-۱۱۷۳ھ)  
میرسنہ اند و با «آرزو» شروع شدہ با «محمد اشرف یکتا کسمیری» تمام میسود

سرح ابواب این تذکرہ از روی العبا ہر از بر است

برگ ۳ باب الف - اسراح الدین آرزو با میرزا ارجمند آراد (۱۴ ساعر)

برگ ۱۱ باب الباء از میرزا مہدی بیان با حواحدہ حسن الدین بیان (۸ ساعر)

- برگ ۱۵ باب التاء - از محمد تقی تعظیم تاسیدرضا تمکین (۳ شاعر)
- برگ ۱۶ باب التاء - از محمد افضل - اعدتاراجه حگل کثورتروت (۴ شاعر)
- برگ ۱۷ باب الحیم - از میر محمد جعفر قاملاطر علی حرآت (۳ شاعر)
- برگ ۱۹ باب الحاء - از حاجی محمد گیلانی قاهیان محمد حیات (۱۰ شاعر)
- برگ ۳۴ باب الحاء - از بدراس داس حوسگو تاحو شتر (۵ شاعر)
- برگ ۳۵ باب الدال - از میرزا هاشم دل تاحواحد میردرد (۴ شاعر)
- برگ ۳۸ باب الدال - عبدالله دره (۱ شاعر)
- برگ ۳۸ باب الراء - از میر محمد رضا با محمد رحیم حاس (۶ شاعر)
- برگ ۴۰ باب السس - از ساطع کشمیری ت حدیجه سلطان بیگم (۶ شاعر)
- برگ ۴۲ باب السس - از میرزا کاظم شرر زای تنکرای شوق (۹ شاعر)
- برگ ۴۷ باب الصاد - از میرزا صمیر ناخدایب علیحان صمیر (۲ شاعر)
- برگ ۴۸ باب الطاء - عبدالناهی طیب ایش شاعر)
- برگ ۴۸ - باب العس - از سید مرتضی علم تا سگم نعل عورت (۱۲ شاعر)
- برگ ۵۲ باب العین - عاقل و عیوب (۲ شاعر)
- برگ ۵۴ باب الفاء - از میرزا سید محمد فدائی تا فایز (۹ شاعر)
- برگ ۵۶ باب الفاف - از عبدالعسی فول تا مشتاق رای قدرت (۳ شاعر)
- برگ ۵۸ باب الکاف - از عصمت الله کامل تا میرزا گرامی (۴ شاعر)
- برگ ۵۹ باب اللام و لمیم - از لطیف علیحان تا میر تقی میر (۱۵ شاعر)
- برگ ۷۳ باب النون - از نور الله بیگم درعب تا بیار (۱۲ شاعر)
- برگ ۷۶ باب الواو - از میرزا امیر ابراهیم الله واصح تا واله دانغستانی (۷ شاعر)
- برگ ۸۰ باب الیاء - از علی هات (یک شاعر)
- برگ ۸۰ باب الیاء - از احمد نارحان یکتا تا محمد اشرف یکتا (۴ شاعر)
- این تذکره مستعمل برد که سعرا ای متاخر میباشند و اکثر مطالب آن از تذکره های دیگر که اسم آنها در سطور فوق گذشت ما خود و معتمس سب و دیار این بمبتوان

برای این تدکره اهمیت زیادی قائل شد

در هر حال بعضی مطالب راجع به شرح برخی شعرار امثال خودس هم اصافه کرده است و ما برای این میتوان بکلی ادرس آنرا انکار کرد

### نسخ خطی

۱ - اسپرنگر ش ۳۱

۲ - رامپور - مورخ ۲۵ جمادی الاخری ۱۲۲۸ هـ ( رجوع سودیه محله اورینتل

کالج لاهور ح ۶ س ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۰ م ص ۱۱۶-۱۴ )

### فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اسپرنگر ص ۶۰-۱۵۳

برای شرح حال مولف :

رجوع شود به معاملات السعراء خیرت و محله اورینتل کالج لاهور ح ۶ س ۲

مورخ فوریه ۱۹۳۰ م

## سفینه خوشگو

ابتدا ( دفتر اول ) ( ۱ )

دفتر دوم - « الحمد لله والست که توفیق ( او ) از سوید دفتر اول سفینه خوشگوی

فراع حاصل شد »

دفتر سوم - « احوال مشاخرین اردفتر نائب سفینه خوشگو مستمل برد کر

معاصرین است که با بعضی از آنها است هم عصری داسه »

( سحبه « آب آورد » )

« در این زمانه رفیقی که حالی از حلال است

صراحی می ناب و سفینه عرب است

کشتی حیات را ناخدا حمد خدائیست که بی یوغ اسان را از بحر عدم بکناره  
وجود کنایده و سعینه بحات را معلم نعت حاتم الاسبائیست که کشتی شکستگی دریای  
ضالان را ساحل رستگاری و هدایت رسانیده \*

### شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب پدر این داس متخلص به خوشگو است وی در سعینه  
خود هیچ حا شرح حال خود را نوشته و تنها در دیل بعضی شعرا اشاره هسائی  
بر میخوریم که بعضی وقایع زندگی وی. آروش میسار و برای شرح حال مفصل وی  
ناچار باید بکتب دیگر مراجعه نمود خوشگودر سفینه خود در دیل شیورام داس  
متخلص به حیا میویسد که پدرش ناپدر شیورام در زمان عالمگیر در لشکر شاهی  
خدمت داشت و عموی وی سداسد متخلص به تکلم در خدمت «حرم» اعظم شاه در سرکار  
قدسیه جهان ریست نابوبیگم بود

شفیق مؤلف «گل رعنا» در فصل دوم آن کتاب در ناره اسم خوشگو چنین  
توصیح داده است که سدر این اسم محلی است در متهر و داس در ربان هندی علام را  
گویند یعنی علام سدر این ناله تسمیه مثل بحفلی چون بنتر این) متهر ا موطن کشن  
(گرش) است که ار رهرا ان قدیم مذهب هندو دوده است .

تتقیق میگوید که خوشگوار اهالی متهر<sup>۱</sup> و افرقه بیس<sup>۲</sup> سود اما مؤلف

۱- متهر شهر است در شمال هند در اتر پردیش امروز در ۳۰ میل طرف شمال عرب  
شهر آگره خوشگو در دیل شرح حال عموی خود سداسد بی تکلف وطن خود را  
لکهنوتی (سهار پور) نوشته است و در این بعضی گمان میکند که خوشگوهم اصلاً اهل لکهنوتی  
بوده و بعداً در متهر ا قوطن گزیده است. اما در همان کتاب در دیل نام « بیکنس » خوشگو  
میویسد «دوسه مرتبه در متهر ا که وطن فقیر است دیده شد» (رک دفتر سوم ص ۲۴۷) و بنا  
بر این وطن خوشگو متهر ا بوده نه شهری دیگر

۲- در بین هندوها چهار منطقه یا فرقه بر رگه وجود دارد برهنس (اهل مذهب)  
کهنتری (اهل جنگ و اسلحه) ویش یا بیس (نارگانان و کشاورزان و غیره) - اهل حرقه (سودر  
(منطقه پائین - کشاورزان و سپوران و غیره) این چهار فرقه بر رگه ار زمان قدیم بعد از ورود آریائیها  
در هند معمول بوده است

«رورروس» خوشگو را بنام «داس» دهلوی» نوشته است که صرفاً اسما است  
 قیام‌الدین حریت در مقالات النهر، می‌نویسد که خوشگو از قوم هندی بود و  
 اشراف‌نگر (ص ۱۵۵) می‌نویسد که حریت درباره خوشگو نوشته است که وی دیا بود  
 از سانس و ایشاگردان بدیل بود. باید توجه داشت که او بنام هر دو نام معنی است  
 و سینه‌ایست از فرقه بیس اما آنکه خوشگو اهل سانس بود صحیح نیست همچنین  
 مؤلف «مخبر العرایب» می‌نویسد که خوشگو از «ایفه بیس» را چپون برد به گوان  
 داس هندی در «سینه هندی» بر این قول را تأیید کرده است و می‌گوید که خوشگو  
 از طایفه بیس است که «فرقه ایسار قوم را چپون بیواره من مضافات اوده و سلسله  
 اسات ایشان سال باهن که سناه مثل سهراجه نکرماند او که با حاکم تیر کرایه  
 حاریست میرسد» اما ظاهراً را چپون از قوم کمتری بوده به بیس

سال تولد خوشگو معلوم نیست اما خوشگو در سینه خود که در بین سالهای  
 ۱۳۳۷ و ۱۱۴۷ هـ تألیف شده است در ذیل شرح حال بدیل می‌نویسد: «میر در این مدت  
 شهر که به جاه و شهرت مرحله طی کرده» اما بر این تولد خوشگو در بین سالهای  
 ۱۰۲۸ - ۱۰۸۸ هـ اتفاق افتاده است

خوشگو در سینه خود درباره اسنادان خود اشاره‌ای کرده است در ذیل  
 نام حکم خدمت می‌نویسد: «و فعیر باهم ربط مه وی داس و دایق خدمت  
 مؤلوی محمد با حلاق باصرتی می خواندیم و در حجاب حضرت سر خوش می‌کنده  
 سخن می‌گفتند و دیده هم می‌دیدیم و هم نترس بودیم»

«مخبر در ذیل شرح حال میان صادق الف (ص ۲۹) می‌نویسد

«در عهد پادشاه سق (درس) از «مخبر اسرار در خدمتس خوانده و این  
 قدر دنا گردی موسوم است» و در ذیل شرح حال «مخبر» رای «مخبر» را می‌گوید  
 (ص ۱۰۱) می‌نویسد: «عمر چهارده سالگی از خدمت او باساده معنوی  
 می‌کرد (م)» و در ذیل ترجمه حال حاتم بیگ خانم (ص ۹۰) می‌نویسد: «فر خوشگو

در تعلیم نوشته او مشق کرده»

خوشگو در شعر شاگرد محمد افضل سرخوش (متوفی ۱۱۲۶ هـ) بود چنانکه خوش در دیل شرح حال سرخوش می‌نویسد که در چهارده سالگی اشعار خود را بطرف اصلاح وی می‌گنزابید و همچنین می‌گوید که سرخوش تحلیص وی را خوشگو گدانب: «همان روز از روی کمال تحلیص خوشگو عیاب فرمود و گفت لفظ خوش از تحلیص خود بر آورده بخشیده‌ام»

قیام‌الدین حیرت در «معالات السعرا» می‌نویسد که خوشگو در اول مشق سخن پیش مرزا بیدل و محمد افضل سرخوش و سعدالله گلشن نموده و جان آرزو می‌نویسد که خوشگو ارتقا گردان او بوده چنانکه در مجمع‌التفایس می‌گوید «حالاً در عظیم آباد و سارس می‌باشد و گاه گاهی خطوط (نامه‌ها) با اشعار خود پیش فقیر می‌فرستد» و جای دیگر می‌نویسد که خوشگو تا بیست و پنج سال مصاحب دائمی وی بوده است و قول آرزو می‌بر صحت می‌باشد چنانکه نه تنها آرزو شعر خوشگورا اصلاح می‌نمود بلکه حتی در سینه خوشگو هم چندین مرتبه نظر کرده و در چندین موارد عباراتی را بدست خود اضافه نموده است

برو فسور عطاء الرحمن (گرد آورنده سینه خوشگو چاپ پته) می‌نویسد که خوشگو شاگرد محمد افضل سرخوش و سراج‌الدین علیخان آرزو و لاله‌سکهر ابراهیمت و بهر ای بی‌راگی بی‌عم و صاحب دائمی ساه سعدالله گلشن و مرزا عبدالقادر بیدل بود و روابط دوسانه با مرزا مطهر و آرزو و شعرای دیگر معاصر خود داشت

خوشگو در مساعده‌ها (مخالف ادبی) که در منزل مرزا بیدل و گلشن بر پا می‌شد حضور می‌یافت و این قبیل اجتماعات را در منزل خود هم تسکیل میداد و از شعرای معروف آنوقت دعوت نموده و از آنها پذیرائی گرمی بعمل می‌آورد

خوشگو از همه پیشتر باییدن اراد داشت چنانکه در دیل شرح حال بیدل می‌نویسد که مؤلف هر روز بخدمت می‌رسید (ص ۱۰۹) و در عمر زیاد از هر از هر مرتبه بخدمتش مستمید شده باشم» (ص ۱۱۸).

بقول آرزو و شعیق خوشگو سفینه خود را با عمدة الملك امیرخان متخلص به اسحاق باطم صوبه (استان) اله آباد عنوان کرده است و نواب مر نوروری دو روپه بر محصول (مالیات) تمام اله آباد برای او معرر نمود و این مستمری تا موقعیکه نواب عمدة الملك درود حیات بود بخوشگو میرسید

همچنین خوشگو در سلك ملارمین لاله کهرت حد دیوان هیس جنگ پیر منسلك بوده و لاله مر نور خوشگورا در زمان اقامت وی در تته و بنارس تریسو كَمْك می نمود و در مواقع دیگر بیار وی مواطبت و یشیانی میکرد خوشگو در سفینه خود در دیل نام را حه رام تر این متخلص به مورون میویسد « واسطه ملارم نواب هیس جنگ شهید (۱۱) و تقرر وجه معاش ارسر کارایسان او بوده »

خوشگو مدت ده سال یعنی از ۱۱۳۷ هـ تا ۱۲۴۷ هـ در تألیف سفینه خود مشغول بود اما بعداً بعلت حمله نادر ساه (۱۱۵۱ هـ) نتوانست نسخه حر کنویس آن کتاب را پاکویسر گدحون در سیچه این حمله محبور شد بافاق اسکر شاهی به کوت کانگره برود<sup>۱</sup> و در پنجاد در حدود هفت یا هشت سال اقامت داشت ولی در ۱۱۵۵ هـ بدلهی مراجعت نمود<sup>۲</sup> و سفینه خود را با استاد خود سراح الدین علیخان آرزو داد تا در آن نظر کرده آنرا اصلاح نماید و آرزو شرح حال بعضی سها و مقدمه را بر آن افزود<sup>۳</sup> در موقع تألیف «مجمع النعائس» (۱۱۶۱ هـ) خوشگو در عظیم آباد و بنارس زندگی میکرد<sup>۴</sup>

۱ - رةك اسپرنگر ص ۱۳۰

۲ - اگر این روایت اسپرنگر صحیح باشد که خوشگو در ۱۱۵۵ هـ بدلهی مراجعت نمود پس وی طاهراً در حدود چهار سال (۱۱۵۱ - ۵۵) در آنجا اقامت داشته است به همت پاهشت سال یا اینکه وی قبل از حمله نادر شاه و بعد از تمام سفینه خود در ۱۱۴۷ هـ به پنجاب رفته است

۳ - رةك اسپرنگر ص ۱۳۰

۴ - آرزو در «مجمع النعائس میویسد «حالا در عظیم آباد و بنارس میباشد» این عبارت قبلاً گذشت .



حوشگو اول خدمت میگردولی بالآخره ترك دنیا کرد بلباس فقراء در آمد  
اول کسیکه صحبت وی خوشگورا نامذاق عرفان آشنا کرد سداسد بی تکلف عمومی  
حوشگو بود<sup>۱</sup> و همان لذت بعداً اورا وادار کرد که از لذت دیدن دست کشیده در گوشه  
ابروا مریاض بپردازد

حوشگو بعد از ترك دنیا اول در اله آباد و سارس و عظیم آباد بسر میبرد و ایام آخر  
زندگانی را در اله آباد گذرانیده بالآخره در عظیم آباد (پتنه) در سال ۱۱۷۰ هـ از این  
دارقانی بسوی ملك حاودانی شتافت قدرت الله شوق در «تكملة الشعر» در باره  
حوشگو میویسد «آخر در قصه بدر اس رفته فوت شده» اما شعیق در «گل رعنا»  
میویسد «در عشره سابع بعد مایة والف (۱۱۷۰ هـ) در عظیم آباد پتنه بیکر عصری  
وا گذاشت»

حوشگو در باره شاگردان خود در سینه اشاره ای نکرده و تنها در «سینه هندی»  
اسم نور العین واقع بعنوان شاگرد خوشگود کرده است چنانکه مؤلف «سینه هندی»  
میویسد

«نور العین واقع در ابته دمشق سخن نزد وی (حوشگو) میگرد»

### آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- سینه خوشگو - تذکره مورد بعد

۲- مرقع - خوشگوموقعی تریب داده در آن اسعار و نمونه آثار شعری

معاصر را بخط خودشان جمع آوری نموده بود اما حیث که امروز اثری از آن  
مرقع نمانده است

۳- مدهوطات بیدل - خوشگو در بیدل شرح بیدل میویسد که وی «ملعوطات

بیدل را تریب داده بود چون هر اربابان در خدمت وی حضور داشته امامت سابعه امروز  
از این کتاب هم هیچ نسخه ای باقی نمانده است

۳- ر ك. سینه خوشگو دفتر سوم ، شرح حال سداسد بی تکلف.

## تبصره بر کتاب

چنانکه در سطور فوق گذشت مؤلف تألیف این کتاب را سال ۱۱۳۷ هـ آغاز نموده و بسال ۱۱۴۷ هـ با تمام رسا بندودرسال ۱۱۵۵ هـ حان آرزو به شرح حال بعضی شعرا و دیباچه‌ای به این کتاب اضافه کرد. بسریز آغاز و اتمام این کتاب را میرساند:

آغازش در سقییه خوشگویی بود      اتمامش در سقییه خوشگویی است

۱۱۴۷

۱۱۳۷

ترتیب اسامی این تذکره در روی تاریخ بولد یا فون شعرا است

این کتاب مشتمل است بر سه دفتر اول شامل ذکر ۳۶۲ شاعر معتمد است و بنا «رودکی» شروع شده بنا «کافی» تمام میشود دفتر دوم مشتمل بر ذکر ۸۱۱ شاعر<sup>۱</sup> متوسط و متأخر و بنا «حامی» شروع شده بنا «سگویی» (متوفی در حدود ۱۰۶۰ هـ) تمام میشود دفتر سوم شامل ذکر ۲۴۵ شاعر معاصر مؤلف است و بنا «فطرت» شروع شده و بنا «مسی سربسکه جا کسر» تمام میشود<sup>۲</sup>

برای شرح دفتر اول این کتاب رجوع شود به نسخه «یا آفسش ۴۰۲۳»

## تبصره بر نسخه «آب آورد»

نسخه‌ای از «سقییه خوشگو» که در ی سوستری در ۱۲۴۱ هـ از روی نسخه‌ی «آب آورد» دوباره اسب ساج کرده و بعضی مطالب را بر آن افزود شامل بعضی قسمت‌های دفتر دوم و سوم میباشد و مشتمل است بر ذکر تقریباً ۱۱۰۲ بن ساعر<sup>۳</sup> بترتیب الصا مؤلف در شرح حال شعرا اسم کتابهای برر اد کرده و نموده است که در آن در تألیف

۱- نسخه نادلین شامل ذکر ۸۱۱ شاعر است اما نسخه اشپرنگر در کتابها ۵۴ شاعر داشت (رک اشپرنگر ص ۱۳۰)

۲- رک نسخه بانکی پور- این نسخه با عبارت زیر شروع میشود «تراجم بعضی مورویان فصل دوم تذکره سدران داس خوشگر تجام» و در این عبارت معلوم میشود که این نسخه ناقص الاول است و فصل اول از آن افتاده است «بعین در این نسخه شرح حال شاعر اول «فطرت» اصلاً نیامده و مؤلف تنها اشعار او را نقل کرده است .

۳- رک نسخه مرکزی تهران ش ۲۶۵۵

این کتاب استفاده نموده است

- ۱- کلمات الشعراى سرخوش<sup>۱</sup> - رجوع شود به نام محمد باقر هندی و غیره
- ۲- مجمع النقایس آرزو- رجوع به حلال اسیر و غیره.
- ۳- تذکره ملاطاهر نصرآبادی<sup>۱</sup> - رجوع شود به نصر همدانی و غیره
- ۴- سفیه صائب<sup>۱</sup> (یا انتخاب صائب) - رجوع شود به حلال اسیر و غیره
- ۵- بیاض آرزو- رجوع شود به نام میرزا رصی و غیره .
- ۶- کتاب دبستان - رجوع شود به نام حکیم سرمد
- ۷- مرآت العالم- رجوع شود به نام حسین آشوب
- ۸- مجمع الصایع تألیف محمد صالح رجوع شود به نام حسین آشوب.
- ۹- هفت اقلیم<sup>۱</sup> - رجوع شود به نام نور العین نوری و غیره.
- ۱۰- طبقات شاهچپائی - رجوع شود به نام حالتی و غیره
- ۱۱- طبقات اکبری تألیف میرزا نظام الدین بختی - رجوع شود به نام حالتی.
- ۱۲- مآثر رحیمی<sup>۱</sup> - رجوع شود به نام صرفی و نظیری و غیره
- ۱۳- عالم آرا- رجوع شود به مولانا هلاکی
- ۱۴- اقبالنامه چپانگیری تألیف معتمدخان بختی - رجوع شود به نام چپانگیر

و غیره

- ۱۵- چپانگیر نامه - رجوع شود به نام چپانگیر
- ۱۶- مشآت ملاطعراى مشهدی- رجوع شود به نام الهی همدانی
- ۱۷- ظفر نامه شاه عباس- رجوع شود به نام الهی قمی
- ۱۸- تاریخ عبدالقادر دواوی (منتخب التوراریح) - رجوع شود به نام ملا تیری
- ۱۹- مسودات محمدالدین قوسی - رجوع شود به نام درویش دهکی
- ۲۰- (اکبرنامه) تألیف سیح ابوالفصل- رجوع شود به نام عنانی

۱- مؤلف ار این کتابها در تألیف این کتاب خیلی استفاده کرده!

۲۹- منتحیات حضرت گلشن- رجسوع شود به نام میر الهی .

شرح حال شعرای زیر را سسه مفصل آورده است

اکبر پادشاه و جلال اسیر و ادهم تر کمان و ایسی کتا بدار و پیرم حان و حیا نگیر  
پادشاه و میرزا جعفر آصفحانی و حمالی کسوه و رلالی حواساری و سرخوش و سقب  
سکهر اچ و تشکیبی و نعمت حان عالی و شیخ عطار و عنی کشمیر و عینی تفرشی و قادری  
داراشکوه و مولانا مایلی و محمد ماهر و منیر لاهوری و نصیر همدانی ( هر کدام در یک  
صفحه ) و حکیم همدانی و مولانا محتشم و معینی خوبنی و همایون پادشاه ( هر کدام در  
۱ ص ) و سرمد و بطیری ( هر کدام در ۲ ص ) و صائب ( در ۲ ص ) و حاجانان  
و ملاشیدا ( هر کدام در ۳ ص ) و بیدل ( در ۹ ص ) .

روی هم رفته شرح حال بیدل را مفصل تر از همه آورده است .

همچنین اشعار شعرای زیر را سسه مفصل آورده است .

میرزا جلال اسیر و میر سحر کاشی و تشکیبی و نعمت حان عالی و عینی کشمیری  
و عیانا حلوائی و قدسی و کلیم همدانی و مشرفی و میر لاهوری و نظام دس عیب و بطیری  
و درویش واله ( هر کدام در یک ص - تقریباً ۳۰ بیت ) و حیرتی توبی و طرری و عرفی  
و قوحی ( هر کدام ۱ ص ) و سالک یزدی و سالک قزوینی و سعائی و صائب و طعری  
مشهدی ( هر کدام در ۲ ص ) و رصی داش ( در ۲ ص ) و دارا ( در ۳ ص )

روی هم رفته اشعار دارا مفصل تر از همه آورده است

در دیل نام بعضی شعرا اشعاری را که مورد پسند حان آرزو بوده نقل کرده است  
مثلا رجوع شود به آشا و استعنا و ایسی و الهی قمی و ابوتراب انجدانی و میر الهی  
و محمد ناقر اشراق و امان الهامانی و ناقدی و حری و میرزا نظام دس عیب و  
سالک قزوینی و سالک یزدی و محمد هاشم سحر و محمد قلی سلیم و فریدون شایق و شانی  
تکلو و ملاشیدا و عرفی شیرازی و عیاب اله سیرازی و رور بهان صبری و ظاهر و حید و  
محمد ظاهر و ملا طعری و عیانا حلوائی و فصیحی هروی و میرزا رستم فدائی و هیسی  
و نورالدین محمد قراری و قدسی و لسایی شیرازی و میرزا قلی میلی و میرزا املاک مشرفی

و نصیر همدانی و ملا نادم و امیر همایون و درویش و اله .

در ذیل شرح حال بعضی شعرا مخصوصاً اشتباهات تدکره صراحتی را بیان کرده است رجوع شود به طاهر و وحید و حکیم سعید و میر کفّری و علی داش حاوید و حسین آشوب و سید مرتضی رسی .

بعضی اقوال را از دیگران نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام ملاشیدا که در ذیل او قول شاه گلشن را نقل کرده و همه چنین در ذیل شرح حال ناحی و حسن بیگ گرامی و ملا فاضل قول آرزو را آورده است

تحلص مر را حاجی را غرلی فکر کرده دگرش را در ردیف «ع» آورده است در حالیکه تحلص وی «عرتی» بوده و این عرتی را کسی غیر از مر را حاجی قلمداد نموده وی را در ردیف «ع» با ملاما عرتی شیرازی آورده است (طاهرأ این اشتباه بندری که سعینه حوتگورا دوباره ترتیب و مطبوع نموده رخ داده است)

در ذیل شرح حال حضرت میر شاه حکایتی راجع به شکستن ابریق و رباعی گفتن وی و روسیاه شدن و نار رباعی دیگر گفتن او و در نتیجه دوباره روسفید شدن وی که در اکثر تدکره ها و کتب به حیات ریشابوری مسوسست (والله اعلم بالصواب) مؤلف آبراهه میر شاه بسبب داده است

د کرد و بعرا نام «شاه مراد حواساری» آورده است که طاهرأ هر دو یکی بوده و آبراهه مکرر آورده است هم چنین دگر صیاء کاشی را هم مکرر آورده است (ص ۲۲۹ و ۳۳۲)

در ذیل شرح حال ملا سابق میویسد «برادر ملا سعید اشرف که دگرش در دفتر چهارم خواهد آمد» که طاهرأ اشتباه است چون این تدکره سه دفتر بیشتر ندارد «ری گرد آورنده این نسخه «آب آورده» بعضی قسمت ها را در این تدکره اصافه نموده است مثلاً رجوع شود به قسمت آخر شرح حال ابوالقاسم و مدرسکی و میرزا اشراق و میرزا برقی و حمادی (در ذیل نام حمالی) و حسر و دهلوی و دارا قاجار .

هم چنین دگر لامع (میرزا نورای لامع) را در ذیل حرف «لا» بعد از حرف «ها»

آورده است اما حرف «لا» در هیچ تذکره دیگر دیده نشده است  
در دیل نام شعرای زیر توصیح داده است که با آنها ملاقات کرده است، فیضان و  
جودت.

این رباعی نانا طاهر را سام ملااحسی خودنمایی (نظ خواستاری)  
نوشته است.

ندشت خاطر مخرعم بروید      رخا کم حز کل ماتم بروید  
بصحرای دل بی حاصل من      گیاه ناامیدی هم بروید

در دیل شرح حال «بیختر» می نویسد «در تذکره غلام علی آراد مسطور است که  
میرزا بیختر در کتاب «بیختر نامه» تذکره حقیقه مجلس خود را نامیرزا بیدل معصل  
نوشته است اما در «سرو آراد» اسم این تذکره سفینه بیختر آمده است و نه «بیختر نامه»  
(رجوع شود به سرو آراد ص ۳۱۵)

در دیل حسن بیگ اسم می نویسد «تذکره الشعرائی نوشته طاهر اتمام یافته  
و سطر هم بیفتاده» اما اسم تذکره حسن بیگ اسمی در جای دیگر دیده نشده است  
هم چنین در گرد آورنده نسخه «آب آورد» در دیل نام طرری می نویسد  
«حصیر در تذکره ملا فرویدون همی» که تذکره فریدونی مسهور است احوال ملا  
طرری را چنین دیدم «

### سك اشكی مولف

در نسخه آب آورد سلك اشكی مؤلف غالباً ساده است اما در موقع تعریف شعرا  
شروع برداخته است

گاهی القاب توصیفی قبل یا بعد از اسمی شعرا آورده است مانند

«ابوالولای تاره گویان حضرت میرزا محمد علی صائب سریری استاد الاستاذ  
رورگار و سرآمد معنی سدان نادره کار» یا «سر کرده شهرستان گف و شنید بواب  
وحیدالرمایی میرزا طاهر وحید»

هم چنین گاهی جمله ای مصوع در معنی «قوت شد» آورده است مانند

میرزا تسکین بعهده عالم‌گیری از کشمکش روزگار تسکین یافت .

تصهره بردفترسوم سدیبه خوشحوی

اکنون دفترسوم این سدیبه (نسخه نابکی و چاپ پشته ۱۳۷۸ هـ / ۱۹۵۹ م) اینجا

مورد بررسی و بحث قرار می‌گیرد

مؤلف در دفترسوم اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که از آنها در تألیف

این کتاب اسعاده نموده است

۱ - کلمات الشعراء سرخوش - رجوع‌شود به شرح حال شاه ناصر علی و راسخ

و اشرف

۲ - حیاتنامه - رجوع‌شود به شرح حال اعظم .

۳ - تذکره ناصر آبادی - رجوع‌شود به نام ناصر علی و اشرف .

۴ - تذکره غلامعلی آزاد - رجوع‌شود به نام مشرب

۵ - ید بیضا - رجوع‌شود به شرح حال ثابت .

۶ - همیشه بهار - رجوع‌شود به شرح حال حجت .

۷ - تذکره علی قلیخان واله - رجوع‌شود به ایمن

شرح حال شعرای زیر را مفصل‌تر از دیگران آورده است : شاه ناصر علی و

محلص (هر کدام در ۳ ص) و ساکر (در ۱/۳ ص) و گلشن (در ۴ ص) و سرخوش

(در ۵ ص) و بیدل (در ۲۱ ص) .

در ردیل نام مطهر (حاجت‌انان) و سراج الدین علی‌خان آرزو و شرح حالی کسه

خودشان برای خوشگوفرستاده اند نقل کرده است (رجوع‌شود به شرح حال مطهر

ص ۳۰۲ و آرزو ص ۳۲۳)

انتظار شعرای زیر را مفصل‌تر از سایرین آورده است شاه ناصر علی و اشرف و

محمد اعظم و نعمت خان عالی (هر کدام در ۳ ص) و محلص و حصوری و حیا و آفرین

(هر کدام در ۴ ص) و مطهر و سرخوش (هر کدام در ۵ ص) و آرزو (در ۱۰ ص) و بیدل

(در ۲۳ ص) .

اشعار شعرای رپر اطبق پسند آرزو نقل کرده است شاه ناصر علی و غنیمت و وحشت و سالم و اتیار خان خالص و محمد امین مطلع و صداف .  
هم چنین اشعار «بیرا گئی» را از روی پسند سرحوش نقل کرده است (رجوع شود به ص ۱۰۲) .

شعراى ديلى اشعارشان را بحط خود براى خوشگوا فرستاده اند و خوشگوا آنها را در اين سعيه شامل کرده است : رواج و اشتياق و احتر و بى ریا و رفعت و تمکين و قابل و محبت و حشمت و متين و محاص و سابق و بيکس و شورش و انای داس محاص  
مؤلف اشعار بيدل را اربياضی که وی با مضای خودش بمؤلف داده بود انتخاب و نقل کرده است (رجوع شود به صفحه ۱۲۵)

مؤلف ديوان شعرای رپر را دیده و اشعارشان را از آنجا انتخاب نموده است ،  
راسخ و مائل و اشرف و سيادت و مير بحايب و لامع و بيرنگ و عاشق و بعمب حان عالی و فيضان و وحدت و سرحوش و حنون و عالی و واضح و بى تکلف و تأثیر و حیا و رائج و ثامت و حسرت و حریس و الهت .

روپهمرفته شرح حال بيدل (در ۲۱ ص) و اشعار او را (در ۲۳ ص) از همه مفصل تر نقل کرده است و در کري بيدل اکثر آراوى و وقایع مهم زندگی و سراپای او و روابطه او با امرا و ملوک معاصر و قوت وی و حکایات مختلف راجع با دواز مختلفه زندگی وی را بیان کرده و چون مؤلف اکثر در خدمت بيدل بوده مناسبات او در باره بيدل مورد اعتماد و موثق تر از تدکره نویسان دیگر میباشد و ميتوان گفت که در باره بيدل هيچ کتابی غير از تألیفات خود بيدل معتبر تر از اين کتاب وجود ندارد

در ديلى شرح حال بعضی شعرا بر حى حکایات را بدون ذکر مأخذ نوشته است رجوع شود به شرح حال ملا ساطع (ص ۲۳۶) و غيره

در ديلى شرح حال شعرای رپر تصريح نموده است که با آنها ملاقات کرده است میان شاه ناصر علی و حفط اله خان حهظی و فيضان و حدود و سرحوش و تلاش و محمد علی مطلع و حاتم بيگ حاتم و دو القدر و تمکين و بيرا گئی و بيدل و قبول و



سپهت و گلاب رای محصل و شاه گلشن و عاقل و حیا و فایز و آبرو و شهرت و برهت و  
 اشتیاق و پیام و قابل و سامان و تاب و تحرید و اختر و مرزا گرامی و زافع و شاعر و  
 بیکی و تمنا و رفعت و تمکس و حواد و آگاه و شاه‌میم و عظیم و سامع و واقف و حشمت  
 و متین و حرین و سر ، گوپال تمیر و محصل و حلب و ابنای داس محصل و نابوبال میکند  
 و حصوری و حکم چند بدرت و راجه‌رام بر این مورون و مشی سرب مکه‌جا کستر  
 در ذیل نام تجرید، نامه‌ای که وی بآرزو فرستاده بود بطور نمود به نقل کرده  
 اسب (ص ۸ - ۲۲۶)

اکثر حکایات را که در ضمن شرح حال شعرا بیان کرده اسب از منابع موثق  
 و غالباً با ذکر اسم منابع خود نقل کرده است مثلاً

در ذیل شرح حال ناصر علی حکایاتی از شاه گلشن و بهگوت رای قلندر .

» اشرف حکایتی از کلمات الشعرا

» همت » میان علی عظیم پسر همت .

» نعمت خان عالی » میرزا بیدل

» میرزا داود مشهدی نقل قول از حرین

» رائج الهیار (از رفقای رائج)

در ذیل شرح حال بعضی شعرا بعضی بیانات تذکره نویسندگان دیگر را در سازه

آنها تکذیب نموده و حقیقت امر را چنانکه خودش تحقیق کرده است نوشته

رجوع شود به شرح حال ناصر علی و سرخوش و بیدل که آنجا قول طاهر بصر آبادی را  
 تکذیب و اصلاح نموده است .

گاهی با عراضاتی که شعرای دیگر بر اشعار شعرای مدکور این سعیه

گرفته‌اند جواب داده و سداً بر اثر اشعار دیگران آورده است رجوع شود به نام

ناصر علی و اشرف

اما گاهی بر بعضی اشعار شعرا خودش ایراد گرفته است رجوع شود به نام

آراد (ص ۲۶۹) و واقف (ص ۲۸۷ و ۲۸۸) .

مؤلف ناماده تاریخ گوئی» هم علاقه داشو ماده تاریخ فوت شعرا که دیگران سروده اند در دیل شرح حال آنها آورده اسب : رجوع شود به شرح حال ناصر علی و سرخوش و بیدل و محمد اعظم و مررا حاتم بیگ و خودت و منعم و بیرنگ و میرالهب

### سبک انشاء مؤلف در دفتر سوم

در دفتر سوم سینه خوشگو بیرسک اشای مؤلف اکثر ساده اسب اما در موقع تعریف ار شعرا مخصوصاً در دیل نام بیدل و آرزو شر مصنوع و گاهی شر مسح نکار برده اسب

گاهی بعضی اصطلاحات و عبارات عربی را نکار برده اسب مثلاً

در دیل ناصر علی مینویسد در شاعری «کوس انا و لاغیری» بواحه (ص ۳) .

«خودان» «دعوی» «انا و لاغیری» نموده (ص ۲۸۰)

«سامی» «ومن ادعی فعلیه السد» (ص ۲۳۲)

«عبار» «وکان دالک فی شهر الاموماة و حمسین» (ص ۲۱۰)

همچین بعضی کلمات اردو (که بعضی از آنها اصلاً فارسی اسب) نکار برده اسب

قانو بمعنی قوت و طاقت (رجوع شود به شرح حال محمد رحمان راستخ ص ۸)

گولی بمعنی گلوله (رجوع شود به نام اعظم ص ۴۳) چند گهری بمعنی ساعت (سجا -

ص ۱۹۵) کچهری بمعنی دادگاه (ساز گلشن ص ۱۶۶ و منعم ص ۵۳) خطوط بمعنی

نامه ها (عاشق ص ۵۷) حظ بمعنی نامه (تحرید ص ۲۲۶) نوره بمعنی کامل و تمام

(مشراب ص ۸۲) چلم بمعنی سرقلیان گلی (بیدل ص ۱۱۲) بالکی بمعنی تحسروان

(بیدل ص ۱۱۲) چموتره بمعنی سکو (بیدل ص ۱۲۱) پله ترارو بمعنی کفه ترارو

(بیدل ص ۱۲۳) بالانافه بمعنی مرتب و بدون تعطیل (بیدل ص ۱۲۰)

املائی بعضی کلمات را طوری نوشته که یا اصلاً غلط اسب و یا امروز فرق کرده

است :

مسنوی بجای مثنوی (لامع ص ۵۴) بیسه بجای بسه بمعنی بوه و نواده

(عاشق ص ۵۷) بست بجای بیست (ریاض ص ۱۹۲)

بعضی اصطلاحات را خودش درست کرده و بکار برده است .

صائمانه = بطرر صائب (باحی ص ۷۱) طهور یانه = بطرر طهوری ( سرخوش ص ۷۷) هندوستان را بحای هندوستان راده (رسائی ص ۱۸۹ و تمنا ص ۲۴۹) نهایت نهایت محطوط گشت = بی نهایت محطوط گشت (سخا ص ۱۹۵)

بعضی افعال را استعمال کرده که امروزه فرقی کرده است

بر گردید بمعنی برگشت (ناصر علی ص ۲) آرید بمعنی آورد (رجوع شود به حیا - ص ۱۸۴) نویسانیده = معنی از نوشتن (میراگی ص ۱۰۳ و بیدل ص ۱۱۲ و ۱۲۳)

گاهی جمله‌ای مصوع در معنی «فوت شد» بکار برده است مثلاً

در دیل سرح حال سالم میویسد از بار عصری سکنوش شد

در دیل شرح حال در سام میویسد بر عجوره شوهر کشد بی اطلاق گفت .

فیضان از این تنگای فانی نصای حاودانی آهنگ نمود

قبول دعوت حق را لیک احاب گفت

همچنین گاهی جمله‌ای مصوع در معنی «متولد شد» بکار برده است مثلاً

در دیل نام بیدل میویسد قدم ساز گاه شهود گذاشت

روی هم رفته این تذکره از حیث جامعیت و تحقیق در باره بعضی مطالب راجع

برندگان شعرای حوسب مخصوصاً دفتر سوم این تذکره از حیث اصالت مطالب

سیار مهم است چون مؤلف با اکثر شعرای ملاقات نموده و اکثر اطلاعات را از روی علم

خود آورده است مؤلف با بسیاری از شعرای معاصر خود از نزدیک آشنائی داشته و بنا

بر این بیانات وی در باره این شعرای مورد اطمینان و بنا بر دش میبانتند مؤلف سال وفات

یا «تاریخ» وفات شعرائی که قبل از تألیف این کتاب فوت کرده بودند آورده است که

بسیاری از آنها در کتب دیگر ذکر نشده همچنین اشعار

حجرت

خلاصه دفتر سوم این تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره‌های فارسی شمرد.

## نسخ خطی

الف - ۱- اندیا آفس ۴۰۲۳ (دفتر اول) ۲- اشبرنگر ۳۳۰ = برلن ۳-۶۵۲ (دفتر اول و دوم. ناقص)

۳- مجلس ش ۳-۴ (دفتر دوم ۱۲۶۸هـ) ۴- نادلیں ۳۷۶ (دفتر دوم)

۵- دانشگاه لاهور (دفتر دوم- ناقص شامل ذکر ۷۷۵ شاعر ارحامی تا مراد اراری) =

بادلن ش ۷۷۹

۶- نانکی نور ح ۸ ص ۸۳-۱۱۵<sup>۲</sup> دفتر سوم (طاهر آ ناقص- بخط آراد بنگرامی

مورح ۱۱۸۲هـ) دیل ج ۱ ص ۱۷۸۶ (دفتر دوم ناقص- ارحامی تا سروری) = بادلین- ۶۳۶ (قرن ۱۹م).

ب - نسخه «آب آورد» که «دری» در حدود ۱۲۴۳هـ در شوشتر از روی اوراق

پراکنده و آب حورده دوباره ترتیب و استساح نموده است

۱- سپه سالار ح ۲ ش ۴۹۰ و ۱۱۱۶ ۲- ملک بهرا ۴۳۰۵ (قرن ۱۳هـ)

۳- ریو دیل ش ۱۱۱ (۱۲۵۲هـ) ۴- مرگری بهراں ۲۶۵۵ (۱۲۴۷هـ)

۱- این نسخه در فهرست آته ذکر شده است در استوری ح ۱ ص ۱-۲ که آنجا

استوری علامت I O را شرح داده است

۲- این نسخه دو قسمت دارد. قسمت اول در «تراجم بعضی مورودان از فصل دوم تذکره

سدراین دلس خوشگو متخلص «میباشد و مشتملست بر ذکر شعرای زیر ۱- قطرب ۲- حسینی

۳- با نام محمد علی اسمعانی ۴- شاه اسمعیل دیبجی ادیبج ۵- قدیرا متخلص به عرفان ۶-

مراد نظام الدین احمد ۷- سراخا متخلص به نقاش اصهبان ۸- میرزا محمد طاهر متخلص

به طاهر ۹- مرزا بدیع الزمان متخلص به اقدس ۱۰- حاجی عبدالواسع متخلص به اقدس

۱۱- میر محمد هاشم متخلص به مصوی ۱۲- محمد ابراهیم متخلص به اصاف ۱۳- میر حمیل

متخلص به سوری ۱۴- مرزا اسمعیل متخلص به حجاب ۱۵- محمد اسحق متخلص به شوکت

بحارائی ۱۶- محاصل کاشی ۱۷- شعیبا متخلص به اثر و قسمت دوم به وان «قسم سوم» مشتملست

بر شعرای معاصر که مؤلف با بعضی از آنان آشنا بود و در «میان راه» مصیر متخلص به علی، شروع

شده با «مثنوی سربسکه» متخلص به خاکستر، تمام میشود - در این نسخه «هرست اسامی شعرا

در چهار صفحه آمده است.

در این نسخه آقای حسینعلی باستانی راد  
مالک ساق این نسخه بعضی حواشی  
اصافه کرده است.

### چاپ کتاب

دفتر سوم پته ۱۳۷۷ هـ ۱۹۵۸ م باهتمام پرفسور سیدشاه عطاء الرحمن .  
برای شرح حال مؤلف رجوع شود به سفینه خوشگو (که در دیل نام برخی شعرا  
اشاره هائی کرده که بعضی وقایع زندگی او را روشن میسازد) و مقالات الشعراء حیرت  
و گلرعا و مجمع العایس و مخزن العرایب ش ۷۳۶ و اشیرنگر ص ۱-۱۳۰ و تکملة  
الشعراى سوق و سفینه هندی ش ۹۷ و روز روشن ص ۲۰۶ و ادبیات فارسی مین هندوون  
کا حصه (ازدو) ارد کتر سید عداله ص ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و فهرست ناسکی پور و  
و دیباجه انگلیسی و فارسی سفینه خوشگو چاپ پته ۱۵ از پروفسور عطاء الرحمن

### فهرست اسامی شعرا

- ۱- دفتر اول- در هیچ کتاب نیامده است
- ۲- دفتر دوم- رجوع شود به نادین ستونهای ۲۱۲ - ۲۳۹
- ۳- دفتر سوم- رجوع شود به ناسکی پور ص ۱۶-۱۱۵.

## ید بیضا<sup>۱</sup>

ابتداء : - بحمد من نظم الاشياء و علم الاردم الاسماء

### شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میرعلامعلی متخلص به آراداس و ی سناً حسینی<sup>۲</sup> و اصلاً واسطی

- ۱- در فهرست کتابخانه آصفیه ح ۳ ص ۱۶۲ تا ۱۸۶ اسم این تذکره سدیدقرار آمده  
است تذکره ید بیضا موسوم به وصیح-ندان
- ۲- آراداسناً اگر در یدی، بگوئیم صحیح تر خواهد بود چون وی از اولاد موتم الاشال  
من-ید شهید بوده چنانکه در شطور آینه میآید

ووطا بلگرامی دمهیا حبی و طریقه حشی است سمش به موتم الاشمال بن رید  
شهید بن امام زین العابدین میرسد چنانکه خودش در باره آن گفته است

گرچه باشد موتم الاشمال عیسی خدایم  
عیسی جان بخش شیرانم نامداد نفس

آزاد میگوید که معنی «موتم الاشمال» یتیم کسند سیر یحیا است و چون وی  
اکثر شکار میگردید در این باره لقب ملقب شده بود هم چنین دیگر حای آزاد نایب امر  
که وی را ولادین شهید است اشاره کرده است چنانکه میگوید

مرا به تیغ ستم کشت و گمبار سربار  
چراغ دوده رید شمد روس سد

آزاد روریکه ۳۵ ص ۱۱۱۶ ه قمری در محله میدا پوره در قصه بلگرام

ارتوایع صوبه (استان) اود متواد شد وی برد پیح اسناد تحصیل نمود، اولاً برد

میر طعیل احمد اترو لوی بلگرامی علوم درسی و ثانیاً برد میر عبدالخلیل حدماتری

خود لغت و حدیث و سیر سوی و فنون ادب و ثالثاً پیس میر سید محمد دانی خود

عروض و فوائی و بعضی از فنون ادب و رابعاً ترد شیخ محمد حیات سدهی در مدینه

صحیح بخاری و «صحای سته و سایر مفردات» و خامساً برد شیخ عبدالوهاب ططاوی

در مکه «بعضی فواید علم حدیث» را خواند آزاد در باره سالگی فارغ التحصیل شد

وی در سنه ۱۱۳۰ ه بدست فدوه العارفین میرسید لطباله بلگرامی که در کرس را

در مآثر الکراموسر و آزاد آورده است در طریقه چشمه بیعت کرده و بدان طریقه مسلک  
و مر بوط سد

مؤلف بعمل خود در تمام عمر سه بار<sup>۴</sup> اروپا به مسافرت خارج روف اول

۱- رک مسجوران ملند فکر (اردو) در دلیل نام آزاد

۲- آزاد و وولف مسجوران ملند فکر سه بار، نوشته شد ولی این در سنه نیست چون بعد

از فتح آراد به اورنگ آباد رفت و از آنجا چندین بار با اتفاق امراش مانند صاه الدوله در ای میر

و سیاحت دکن و شهرهای دیگر رفت اما اگر گفته شود که روطن خود به مسافرت کرد در آن

صورت این قول صحیح خواهد بود چون ظاهراً آزاد بعد از مسافرت سوم هیچ وقت روطن خود

(بلگرام) مراجعت نکرد.

در ۱۱۳۴ هـ باتفاق میر عظیم‌الیه بیخبر بلگرامی برای دیدن جد مادری خود میر -  
 عبدالخلیل شاه جهان آباد (دهلی) رفت و آنجا دو سال اقامت داشته و از صحت جد  
 مادری خود استفاده نموده دوباره به بلگرام وطن خود برگشت

مسافرت دوم وی در دی الحجه ۱۱۴۲ هـ اتفاق افتاد موقعیکه وی از راه شام -  
 جهان آباد و لاهور و ملتان به سیوستان یا سهوان از بلاد سند در خدمت خال (دائی) خود  
 میر سید محمد بلگرامی رفت میر سید محمد مر نور از طرف پادشاه دهلی میر بخش و  
 وقایع نگار آنجا بود آزاد روز دهم ربیع الاول ۱۱۴۳ سیوستان رسید. میر سید  
 محمد آزاد را برای مدت چهار سال به بیات خود در هر دو خدمت مذکور مقرر کرده  
 خودش به بلگرام رفت و بعد از چهار سال به سیوستان مراجعت نمود آزاد در ۱۱۴۷ هـ  
 از همان راهی که به سیوستان رفته بود شاه جهان آباد رفت.

در این مسافرت آزاد با حرین در ۱۱۴۷ هـ در شهر بهکر ملاقات کرد و حرین  
 برخی اراعات خود را بحظ خود بطور یادگار بوی داد و چون آزاد نا عجله سوی  
 دهلی میرفت وی حرین را در همان شهر گذاشته خود سوی مرل متصوفا راه افتاد  
 هم چنین در حین مراجعت موقعیکه از راه لاهور ساه جهان آباد میرفت ناواله  
 در ۱۱۴۷ هـ در لاهور ملاقات کرد و هر دو شاه جهان آباد نهم مسافرت کردند بعد از  
 ورود به دهلی آزاد در آسپر بکعتنه توفیق نموده سوی اله آباد رهسپار شد و ناواله  
 در دهلی ماند و بعد از آنجا رحل اقامت افکند

چون سایر اعضای خانواده آزاد در آن زمان در شهر اند آباد اقامت داشتند وی  
 نیز از دهلی خود را به اله آباد رسانید و در آن شهر سه سال اقامت کرد ولی در این مدت  
 دوباره بوطن خود بلگرام رفته و هر بار به اله آباد برگشت

مسافرت سوم آزاد در رجب ۱۱۵۰ هـ روی داد موقعیکه وی از بلگرام به حجاز  
 قصد حج رفت این آخرین مسافرت آزاد بود چون دیگر وی هیچوقت بوطن

۱ - ر ك حراً به عامره ص ۱۹۴

۲ - ایضاً ص ۲۴۱ .

خود (بلغرام) برنگشت. آزاد وقتی که اراله آباد در سال ۱۱۵۰ هـ به بلغرام رفت شوق زیارت حرمین و اختیار تحرید (ابروا) که از مدتی در قلب وی موح میرد یکبارگی هجوم آورد و در نتیجه وی در سوم رجب ۱۱۵۰ هـ از بلغرام عازم حجاز شد. «سرخیر» سال تاریخ آن (۱۱۵۰ هـ) را می‌رساند.

حالیست که در باره عمر و مقصد خود به هیچکس اطلاع نداد و حتی حویشا و بدان و نزدیکان وی بی‌سره‌رور بعد از رفتن وی از این موضوع با حیرت شدند و برادرش تاسه‌میرل عقبوی رفت ولی چون او را هیچ حایات با کام بوطن برگشت علت این بود که آزاد ارراه غیر معروفی رفته بود آزاد تا مالوه مردیک گجرات پیاده رفت. اتفاقاً در آن ایام لشکر نواب آصف‌جاه (۶۱ - ۱۱۱۳ هـ) در مالوه چادر رده بود. یکی از افراد لشکر نواب از آزاد پذیرائی گرمی بعمل آورد

در دوم شعبان (۱۱۵۰ هـ) آزاد در خدمت نواب مر نور حضور بهم رسانیده و رباعی زیر را پیش وی خواند و طی آن از نواب تقاضای کمک نمود

ای حامی دین محیط خود و احسان

حق داد ترا حطاب آصف شایان

او بخت بدرگاه سلیمان آورد

تو آل سی را بدر کعبه رسان

راجع باین رباعی که آزاد صریحاً جهت تملق آصف‌جاه و استمداد از وی سروده

بود در «خرابه عامره» (ص ۱۲۶) چنین توضیح داده است

«در حقیقت نظم این رباعی برای تحقیق مضمون آیه کریمه و علی‌الناس حج -

الیس من استطاع الیه سبیلاً به برای جلب حطاب دیوی بوده»

در هر حال ما گفته‌اند که غیر از این رباعی آزاد در تمام عمر خود هیچوقت شعری

دیگر نمدح پادشاهی یا امیری نساخته است

خلاصه نواب مر نور حرج سفر را تا آزاد داد و وی از مالوه به بدر سورت رفت و

از آنجا روز ۲۴ ذوالعده (۱۱۵۰ هـ) سوار کشتی شده روز ۱۸ محرم ۱۱۵۱ هـ وارد بندر جده



تدو آنجا چهل روز توقف نمود و روز ۲۹ محرم وارد مکه شد. چون مکه رسید هجرت مدتی ریاضی بدو وقع حج مانده بود و بنا بر این سه روز در مکه اقامت داشته و بعد از طواف بیت الله و زیارت عتبات عالیہ بمدینه رفت و عید فطر را آنجا گذراند و روز ۱۴ شوال دوباره مکه مراجعت نمود و آنجا مناسک حج را انجام آورد

«عمل اعظم» (= ۱۱۵۲ هـ) تاریخ آنجا آوردن حج را میرساند. چنانکه در سابق گذشت در مدینه نزد شیخ محمد حیات سدهی صحیح بخاری خواند و سند بصیبه صحاح ستہ را از وی گرفت و در مکه پیش شیخ عبدالوہاب طحاوی درس حدیث گرفت

در ربیع الاول ۱۱۵۲ به طایف رفت و بعد دوباره مکه برگشت و در عشرہ آخر همان ماه عازم ہندوستان شد و در ۳ جمادی الاول در حده سوار کشتی شدہ در ہشت روز بہ محالہ رسید و از آنجا فریارت علی بن عمر شادلی مشرف شد و چهار روز آنجا توقف نموده روز بیست و نهم در سرہ سرورہ پیادہ شد و روز ۲ جمادی الثانی وارد بصرہ شد و (بنو اسوری) پنج ماہ در بصرہ بود و روایت «سجنوران بلد فکر» روز ۲ جمادی الثانی سورہ رسید و آنجا پنج ماہ اقامت داشت (کذا ظاہر اصحیح بیست) و در ۱۱ ذوالقعدہ از آنجا حرکت نمود و روز ۲۷ آن ماہ باورنگ آمد کہ رسید «سفر بحیرہ» (= ۱۱۵۲ هـ) تاریخ مراجعت وی بہ ہندوستان و مباحثت بدکن را میرساند

در اوزبک آمد از آراد در تکیہ سہ مسافر عجدوانی (متوفی ۱۱۲۶ هـ) رحل اقامت افکند

در ۱۱۵۴ هـ برای سیاحت حیدرآباد و بیدرزف و بعد از چند روز دوبارہ بہ تکیہ مریوز مراجعت نمود

مؤلف «سجنوران بلد فکر» میگوید کہ چون در ۱۱۵۸ ہجری نظام الدولہ ناصر - حسنگ شہید حاکم حیدرآباد (۱۱۶۱-۱۱۶۴ هـ) از طرف پدر خود بنو اسحاق بہ صوبہ داری (استانداری) اوزبک آمد مأمور گشت وی آراد را در بار خود دعوت نمود و از وی خیلی احترام و تحلیل نمود و چنان محدود احلاق آراد گشت کہ وی را مصاحب و معرب خود مقرر کردہ و تا زندہ بود هیچوقت او را از چشم خود دور نمیکرد بنو اسحاق

مربور در شعر از آزاد اصلاح می‌گرفت.

در همان سال (۱۱۵۸ هـ) نواب مربور برای سیاحت و گردش بکرناتک رهسور آزاد را هم همراه خود بر دو باتفاق وی آزاد در عرماه صفر ۱۱۶۱ هـ باورنگ آباد مراجعت کرد. آزاد در همان سال (۱۱۶۱ هـ) به اتفاق نواب به برها پور رفت و چند روز بعد دوباره باورنگ آباد برگشت روز ۱۴ شوال به همراهی نواب مربور بارکات رفت و یکسال و چند ماه در مسافرت بود در همین مسافرت در محرم سه ۱۱۶۴ هـ نواب ناصر خنگ کشته شد و بعد از کشته شدن نواب آزاد ۱۵ رحمادی الاول ۱۱۶۶ هـ باورنگ آباد مراجعت نمود. شمس‌اله قادری مؤلف «قاموس العلوم» (اردو) مینویسد که آزاد از طرف نواب ناصر خنگ مستمری می‌گرفت اما هیچوقت معامی یا خدمتی را قبول نکرد

در ۹ ربیع ۱۱۷۴ هـ آزاد بدعوت صمصام الدوله شاهنوار خان وزیر اعظم به حیدر-آباد رفت و چند ماه بعد روز ۱۹ ذوالعده دوباره باورنگ آباد مراجعت نمود و چند روز در تکیه‌ساز مسافر سابق الد کر توقف نمود

در ۱۱۶۷ هـ نواب امیر الممالک صلاحیت خنگ حلف آصف‌جاه حاکم حیدرآباد (۷۵ - ۱۱۶۴) نواب صمصام الدوله را سمت و کاتب خود منصوب کرده و به حیدر-آباد دعوت نمود نواب صمصام الدوله با کمال استیاق آزاد را پیش خود دعوت نمود و چون آزاد به حیدرآباد رسید نواب نظام علیخان آصف‌جاه ثانی (۱۱۱۸ - ۱۲۷۵) بیرونی را مورد تعظیم و تحلیل قرارداد. در ۱۱۷۰ هـ صمصام الدوله معرول شد اما در نتیجه مساعی رفقای صمیمی خود مانند آزاد دوباره بمقام خود برگشت ولی در سال بعد (۱۱۷۱ هـ) ۳ رمضان در نتیجه توطئه‌ای صمصام الدوله کشته شد و سرل وی را بعبارت بردند در این دستور و عارتگری<sup>۱</sup> سحره نامام مآثر الامرات تألیف صمصام الدوله بیرگم شد. اما آزاد بعد از تلاش بسیار موفق شد اکثر اوراق پریشان آنرا پیدا کرده و «حظیه و تمهید» و شرح حال مؤلف و برخی دیگر را اضافه نموده بصورت یک کتاب

۱- برای شرح این واقعه در بهارستان سخن شرح حال مؤلف (صمصام الدوله)

در آورد<sup>۱</sup>

سه سال بعد از فوت آصف‌جاه ثانی در ۱۱۷۸ ه<sup>ق</sup> (۱۷۹۴) آراد ناورنگ آباد مراجعت  
نموده در باره در تکیه شاه مسافر مدکور در گوشه عزلت و امر و اشست و بنیه رندگی  
خود را هماجا بسر آورد

آراد در خرابه عامره تألیف ۱۱۷۷ ه<sup>ق</sup> (ص ۱۲۵) می‌نویسد چند بار به تمامای اطراف  
ملك دکن بر حاشتم اکنون (در سست و سه سالگی) در دارالامن اورنگ آباد  
گوشه گیرم

بقول مؤلف «سخنوران بلند و کمر» آراد در سال ۱۱۹۵ ه<sup>ق</sup> در «روصه»<sup>۲</sup> (خلد آباد)  
در اطراف مرار شاه برهان الدین غریب قطعه‌ای زمین را خریداری نموده و اسم آنجا را  
«عاقبت حانه» گذاشت و آنجا قبری برای خود درست کرد سپس ضیافت بر رگی  
ترتیب داده بعضی از مشایخ و شعرا و امرا را دعوت نمود و بعد از صرف عدا بنهمه مهمانان  
دستداد و گفت «این ضیافت تو دیعی بود هدا فراق بینی و بیگ»<sup>۳</sup> بعد از آن تا دم

۱- بسیاری از نسخ این کتاب که آراد ترتیب داده و دارای شرح حال ۲۶۰ تا ۲۹۰ نفر  
میداشد در بعضی کتابخانه‌ها موجود است ما گفته‌ایم که چندی بعد در ۱۱۹۴ ه<sup>ق</sup> مصمم الملك  
میر عبدالحی فرزند مصمم الدوله این کتاب را دوباره ترتیب داده و عده امرای مدکور این کتاب  
را تقریباً ۷۳۰ نفر رسانید این کتاب در کلکته در سال ۹۱ - ۱۸۸۲ م در سه جلد طبع  
رسیده است

۲- در «محبوب الرحمن» (ازدو) سال ۱۱۶۸ ه<sup>ق</sup> ذکر شده است

۳- روصه یا خلد آباد بمسافرت میل از دولت آماد واقعست برای شرح معصل  
این گورستان بزرگ که قبر اورنگ زیب عالمگیر و اموال حسن قطب شاه و آصف‌جاه و بعضی  
سلاطین احمد نگر و عده یادی از عرفای مبروف آنجا است رجوع شود بکتاب و آثار مهم  
تاریخی دکن» (انگلیس) - تألیف هیکه چاپ اله آباد ۱۹۰۷ م صفحات ۸-۵۶

(Historical Landmarks of the Deccan - T W Haig -  
Allahabad, 1907)

۴- اصل عبارت در تذکره «سخنوران بلند و کمر» در بیان آراد و بدینقرار است به وداعی  
ضیافت تهی - هدا فراق بینی و بیگ .

## مرگ در گوشه عزلت نشست

پنج سال بعد از صیافت مر بور در سه ۱۲۰۰ هـ<sup>۱</sup> سن ۸۴ سالگی فوت کرد  
شاعری تاریخ وفات وی را چنین گفته است «آه علام علی آراد»<sup>۲</sup> (= ۱۲۰۰ هـ)  
وحیدالدین اشرف صدر «بحر دحار» مینویسد که آراد در ۲۱ ذوالقعدة سال ۱۲۰۰ هـ  
فوت کرد و در «روضه» یا «حلد آناد» دفن شد<sup>۳</sup> و مؤلف «تایح الافکار» مینویسد  
که وی در «روضه» پائین مر از حضرت حسن دهلوی مدفون شد  
اینک عقاید و آرای تذکره نویسان و دیگران درباره اخلاق و پایه علمی آراد  
بعل میشود

تقریباً همه تذکره نویسان معاصر آراد بعلم و فضل او اعتراف کرده اند آرزو  
در «مجمع النعایس» تألیف (۱۱۶۳ هـ) مینویسد که آراد مردی عالم و فاضل است و صحیح  
رفته و چند وقت است که در اورنگ آباد اقامت دارد و صوبه داران (اسانداران) دکن  
در تعظیم و توقیر (احرام) وی میکوسند و خدمت او را برای خود سعادت محسوب  
میدارند بامن اخلاص و آشنائی غائبانه دارد و بوسیله حواله سستی یکبار اشعار  
و شرح حال من را خواسته و بار دیگر اشعار و شرح حال خود را فرستاد گویند  
تذکره السعرائی<sup>۴</sup> نوشته و در این ایام در آن تحدید نظر مینماید

حاکم در «مردم دیده» (تألیف ۱۱۷۵ هـ) مینویسد که وی آراد را فریب ندهی سال

۱- شفیق در «چمستان شعراء» (اردو) مینویسد که آراد در ۱۱۵۲ هـ وارد اورنگ آباد شد  
و هفت سال را در تکیه پادشاه مسافر سر برد و روی هم رفته چهل و هشت سال از عمر خود را  
در دکن سر برد و هماغاه فوت کرده و در حلد آناد مدفون گشت (رک «چمستان شعراء» چاپ  
انجمن ترقی اردو، ص ۴)

۲- رک «سجودان بلند فکر تحت نام آراد»

۳- رک «سجده بحر دحار» متعلق به دوره بریتانیا ص ۳۱۵ که در فهرست ریو ح ۳  
ص ۹۷۶ ذکر شده و ریو درباره این مطلب در ح ۱ ص ۳۷۳ اشاره کرده است

۴- مراد «دید بیضا» تذکره مورد بحث است\*

پیش<sup>۱</sup> در خدمت شاه آفرین لاهوری استاد خود در لاهور دیده بود و هنگامیکه بقصد زیارت حرمین در اواخر رحب (۱۱۷۵ هـ) به اورنگ آباد رسید چندین بار بخدمت آراد رسید اما چون (حاکم) عزم مسافرت بحجاز داشت بیش از سه چهار روز در اورنگ آباد توقف نمود و سپس چون در ۱۵ جمادی الاول بعد از حج باورنگ آباد مراجعت نمود مکرر بخدمت آراد میرسید<sup>۲</sup>

سپس مینویسد که همه اعضای خانواده آراد اهل فضل و کمال بوده اند و آزاد دیوانی دارد عربی که من از فهم آن قاصرم عربیات فارسی وی خیلی شیرین است. تذکره های یدبصار حرا به عامره<sup>۳</sup> بی تصحیح (است) و از بسیاری از تذکره های دیگر گوی سفت برده با این همه علم و فضل هیچ غرور و تکبر ندارد نامردم با کمال تواضع و گشاده پیشانی رفتار میکند و عرا و فقرا را مرهون احسان خود میسازد چند نسخه از تذکره خود من و نورالعین واقع لطف کرده اس و از ما مرتب پذیرائی کرده و ما را ممنون و مرهون مروت و حسن اخلاق خود میگرداند تا سال تحریر (مردم دیده) که یکبار او و یکصد و هفتاد و پنج حجرست در همین شهر (اورنگ آباد) بحوبی و حوشی میگرداند و جمیع اکابر اعم از صونه دار (استادان) و مرتبه داران دیگر و عموم مردم همه معتقد کمال و اخلاق این عزیز بزرگ میباشند<sup>۴</sup>

هیگ در کتاب «آثار مهم تاریخی دکن» (انگلیسی) در صفحه ۵۸ در باره معروفیت آراد بعد از مرگ او چنین مینویسد «صیت و شهرت علم و فضل این شاعر (آراد) نااندره ایست که والدین بجهه های خود را بمر از وی میرسد تا آنها دانه ای

۱- حاکم آراد را در ۱۱۴۷ هـ موقعیکه او از سیستان بطرف دعلی میرمت و چندی در لاهور توقف نموده بود دیده است (ر. ک مسافرت دوم مؤلف در سطور قبل)

۲- ر. ک «مردم دیده» ص ۳۴

۳- از این معلوم میشود که حاکم حرا به عامره تألیف ۱۱۷۶ هـ را قبل از اتمام آن

در ۱۱۷۵ هـ دیده بود

۴- ر. ک «مردم دیده» ص ۳۴-۳۵



«امام مؤلفات تاریخی وی (مثلاً بیوگرافی‌های یوانان و امرا و غیره که در حرانه عامره آمده‌است) برای حواسدگان اروپائی حرو و نادرترین و نادرین آثار وی می‌باشد و نیز دارای این مریب خاصی هستند که وی اکثر وقایعی را که بیان می‌کند بحسب خود دیده‌است و خودش بکسرر هائیکه صحبه این وقایع بوده مسافرت کرده‌است و در موقع مطالعه این اقتناسات که ناخجله و بدون تعمق گل چینی شده<sup>۱</sup> - مراتب فوق را نباید مخصوصاً در نظر داشت چون این اقتناسات بعضی حرایات را روشن می‌سازد که انگلیسها و فرانسویها هر دو با آن مر بوط هستند و بیانات هر دو نشان راجع باین حرایات در بعضی موازدا هم تفاوت داشته‌است»<sup>۱</sup>

اما ابوطالب حان تریری اصفهانی مؤلف «خلاصه الافکار» تپا تدره بویسی است که بر آراد تاحته و وی را ساد انتقاد کشیده‌است و حتی او را مورد تمسخر فرار داده‌است وی در تدره خود در دلیل نام حاقانی در فصل ودانش آراد مخصوصاً (در سایر فارسی دانان هندوینا کستان عموماً) انتقاد کرده است و در دلیل حکایتی به پیر حاقانی که بحاقان نوشته بود

پیر<sup>۲</sup> یا وساقی که در برش گیره

(وسق معنی برستین و وساق بضم اول علام آورد را گویند) و حاقان متعیر گشته که چرا هر دو را بحواستد و حاقانی مگس را مروهال کندد برد حاقان فرستاد که گناه من بیست گناه ایست یعنی من «و وساقی» نوشته بوده اما مگس قضند! بداحته «نا» را «یا» ساحت در اینجا مؤلف خلاصه الافکار می‌نویسد «عیر غلامعلی آراد بلگرامی در این معام اظہر تعجب می‌کند که چرا حاقان از جهت علام مردم حواست بر سعید مؤلف گویند این سه سبب کم سعی از او صانع مرده ولایت (ایران) وی را رو داده چه در زمان قدیم کبیر و علام خود حرو خلعت و مرحمت دستور بوده والی الان هم اعمره تمام ولایتنا مسالین و امرای خود بش

۱- ر ك آسيا تيك مسلاى ح ۱- كلكنه ۱۷۸۵ م صفحات ۷-۴۹۶

۲- Asiatick Miscellany - vol 1 - Calcutta, 1785, pp 496 - 7

بی تکلفانه زندگی میکنند و از عاداتی که متأخرین تیموریه در هند رواج داده‌اند که سایر خلق سلوک عدیته، با اکابر نمایند یحایت دوراند و حق اینست که بسیار قبیح است که در مواضع خاص اکابر امتوسلان خویش ادب عامیانه توقع کنند» سپس ابوطالب مینویسد:

« و ایضاً (آراد) معاللات هر لیه را سگ پیدا شده و مضمون این بیت کلیم را میستاید :

گر هجو نیست در سخن من عصب مدار      حیث آیدم که ره در آب بقا کم  
غافل از اینکه هجو حربه و واسطه عرت شاعر است چنانکه آلت شمشیر باعث  
هیبت سپاهی (سرباز) است و دلیل لطف و قوت طبع اوست<sup>۱</sup> - اعظم شعرای سلف عدم  
آبرائاتفاق نقص میدادستند و متأخرین سبب عجز طبع عدری پیدا ساخته»  
و سپس مینویسد

« و نیز عجیب تر از این هر دو اینکه از امثال این تشبیهات که در این اشعار واقع شده و در اوین استادان از آن پر است دقیق آن گاهی (هیچوقت) شنیده نشده بود چون این شعر و حید

شاعران جان از برای شعر فهمان میکنند      دختر هر کس و حیه افتاد معت شوهر است  
بر ریز بار تو سعدی جوهر نگل مانده است

و این مصرع عرفی: حون حیص دختر در حوش دار لپهای من  
و این ابیات حکیم مسطور

چون هما اندک خور و کم سهوتم دانند و من

چون حروس دانه حین رأی شهوت پرورم

گر ر مردی دم ریم ای شیر مردان مشوید

زانکه چون حر گوش گاهی ماده و گاهی برم

۱- همچنین مؤلف و حلامه الافکار، درباره هرل در دیلم هوق الدین پردی مینویسد

هرل بهریکی از هون عشره شعر بلکه اصص طرق و محك امتحان قوت طبع شاعر است».



بیر خیرت میسر ما یدو تقبیح میکند و از این معنی بوضوح میپویند که آن اسفار و احتلاط با عرب و عجم دهقیت (دهقاییب) ایشان را یکباره رایل ساخته بود و السلام»

### آثار مؤلف

سید شمس اله قادری آثار آراد را در «قاموس العلوم» (اردو) ح ۱ ستوهای ۵-۳۳ و سید و حاجت حسین در محله انجمن آسیائی نکال سال ۱۹۳۶ ص ۳۰-۱۲۳ (آثار اردو) و پرو کلمان در «دیل» ح ۲ ص ۶۰۰ (آثار عربی را) ذکر نموده اند

### (الف) آثار فارسی مؤلف

۱- دیوان (رحوع شونده سححه المرجان) - برای نسخ دیوان رحوع شود به اسپرنگر ۱۴۶ و بانکی پور ح ۳ ش ۴۲۳ و آته ۱۷۲۲ و ایوانو - کردن ۶ - ۳۰۴ و مدراس ۷۵ (ح) (منتخب) و آصفیه ح ۳ ص ۲۸۸ ص ۸۳۰ (منتخب) چاپ حیدر آباد (بدون تاریخ) در دو جلد - ح اول ۶۰ صفحه و جلد دوم ۶۱ دارد. بیر رحوع شود کار اتای ص ۸۲

۲- مثنوی در حواص منوی میر عبدالخلیل نلگر امه - برای سحر رحوع شود ح ۳ ص ۶۳۲

۳- مثنوی سرای عشق - برای سححه سو رحوع دبه علیگر - دحا ص ۴۳ ص ۹۰

۴- سدة السعادات فی حسن حاتمة السادات (رحوع شونده سححه المرجان - ص ۱۲۳) برای نسخ رحوع شونده آصفیه ح ۲ ص ۱۳۴۶-۳۷۲ و ح ص ۶۶۲ ش ۱۰۱ و آته ۲۶۷۰ - نقول شمس اله قادری در مثنوی در ۱۲۸۲ هـ چاپ سد

۵- عر الان همد - (اسم تاریخی = ۱۱۷۸ هـ) ترسمه فصل ۳ و ۴ سححه المرجان بر مایش عبدالقادر مهربان 'ورنگ آادی و لجهمی بر این شقیق اورنگ آادی که اردفقای مؤلف بودند برای نسخ رحوع شونده آصفیه ح ۱ ص ۱۶۸ ص ۱۶۴ و برلر ۱۰۵۱ و آته ۲۱۳۵ و بد بر احمد ۱۳۱۰

۶- شجره طیبہ در شجرہ ہا و شرح رند گانی شیوخ بلگرام - برای نسخ رجوع  
شود بہ آصفیہ ج ۱ ص ۳۲۲ ش ۳۵ و ح ۲ ص ۱۷۷۸ ش ۲۱۴ .

۷- روضۃ الاولیاء - تألیف ۱۱۶۱ھ مشتمل بر شرح حال دہ عارف صوفی است کہ  
در جلد آبادیاری و صہ نزدیک دولت آباد دفن هستند با «العرب الہنسوی» شروع شدہ با «آراد»  
(مؤلف) تمام میشود برای نسخ رجوع شود بہ آصفیہ ح ۱ ص ۳۲۰ و ح ۳ ص ۱۶۴ و اتہ  
۶۵۵ چاپ اورنگ آباد ۱۳۱۰ھ

۸- مآثر الکرام (فی) تاریخ بلگرام - در ۱۱۶۶ھ تمام شد و شامل دو فصل  
است. فصل اول شامل ذکر ہشت ہزار «فقرا» بلگرام و اطراف آن و فصل دوم شامل  
ذکر ہزار ہزار «فصلای» بلگرام و اطراف آن است - برای نسخ رجوع شود بہ آصفیہ  
ح ۱ ص ۳۴۸ ش ۱۰۵ و اتہ ۶۸۲ (کہ مؤلف بہ ریچارد حاسن در ۱۷۸۵ م فرستادہ  
بود) و ریورح ۳ ص ۹۷۱ الف و بانکی یورح ۸ ش ۷۲۳ و برلن ۶۰۳ (تنہا فصل دوم  
دارد - فہرست اسامی این فصل در فہرست برلن آمدہ است، رجوع شود بہ ص ۸-۵۶۷).  
چاپ حیدرآباد ۱۹۱۰ م با مقدمہ مولوی عبدالحق

۹- ید بیضا - تذکرہ مورد بحث

۱۰- سروآراد - تذکرہ دیگر مؤلف (۱۱۶۶ھ)

۱۱- حرانہ عامرہ - تذکرہ سوم شاعر (۱۱۷۶ھ)

#### انتقاد بر آثار فارسی آراد

۱- سرایف عثمائی تألیف غلامحسین صدیقی بلگرامی کہ مؤلف آن برای اصلاح  
«اشتہات» مآثر الکرام و سروآراد نوشته است - برای نسخ رجوع شود بہ ایوانو  
۲۷۷ و اندیا آفس ۳۹۱۳ و آصفیہ ح ۲ ص ۱۶۴

۲- تحقیق السداد فی مرلات الازاد تألیف محمد صدیق سحور عثمانی  
بلگرامی کہ در ۱۱۶۷ھ تألیف شد و طی آن مؤلف بر مآثر الکرام و سروآراد انتقاد  
کردہ و بر سبک و سرآراد را ساد انتقاد گرفتہ است - برای نسخہ آن رجوع شود  
بہ ایوانو ۳۹۷ .

در حواص این کتاب عبدالقادر سمرقندی دهلوی کتابی نام «تأدیف الزندیق فی تکدیف الصدیق» نوشته است - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو ۳۹۸.

### (ب) آثار عربی مؤلف

- ۱ - ضوالدراری - تفسیر صحیح بحاری تا آخر کتاب الرکاة (رجوع شود به نسخة المرحان ص ۱۲۲) نسخه این کتاب امروز در هیچ کتابخانه پیدان نیست .
- ۲ - نسخة المرحان فی آثار هندوستان - در ۱۱۷۷ هـ تألیف کرد شامل چهار فصل . فصل اول<sup>۱</sup> در اشاراتی که در قرآن و حدیث رسول درباره هندوستان آمده است و فصل دوم<sup>۲</sup> فی تراجم العلما و غیره و فصل سوم فی محسبات الکلام و فصل چهارم فی بیان المعشوقات والعشاق در پنج مقاله - برای نسخ رجوع شود به ماچستر فهرست عربی ۳۹۲ و مدرسه کلکنه ص ۶۷ ش ۸۸ و ریو ح ۳ ص ۱۰۲۲ ب و ۱۰۵۵ ب (بعضی قسمتهای کتاب) - چاپ بمبئی ۱۳۰۳ هـ .
- ۳ - دیوان<sup>۳</sup> - در نسخة المرحان در ذیل آثار خود که در ص ۳-۱۲۲ آورده است آزاد دیوان عربی را که شامل سه هزار بیت بوده ذکر کرده است بقول شمس‌انہ قادری مؤلف قاموس العلوم (اردو) این دیوان متجاوز از سه هزار بیست و دو در ۱۳۰۰ هـ در حیدرآباد در چهار جلد چاپ شده است - در فهرست آصفیة و نسخة خطی و یک چاپی «سه نسخه» (ح ۹) ذکر شده اما سال، محل، چاپ ذکر شده است
- ۴ - دیوانهای زیر آزاد را ذکر کرده است

۱- این کتاب سابقاً بطور مستقلی نام شاعرة العسری الہندی من سیدالشر تألیف شده

بود - برای نسخ رقم آصفیہ ح ۳ ص ۲۵۸ ش ۸۵۳ و ۸۵۷ و ۸۵۹ -

۲- فصل اول و دوم این کتاب را سید شمس الدین بن شاه و اربت علی حسنی احسینی نقاری

در سال ۱۲۸۶ هـ بمایش راجا سارس مهاراج ایساری (ایشوری) پرشاد در زمایکه مترجم در خدمت راجای مرینور بوده برمان فارسی ترجمه کرده است

۳- آزاد در حواص عامره (ص ۱۲۵) مینویسد که دیوان عربی وی سه هزار بیت دارد

و اینکه «دیوان فقیر» (مؤلف) در حرمین شریمین و ملاذیم و مصر مشهور است

۴ - د ک Dictionnaire encyclopedique de bibliographie

arabe - Sarkis

۱ - **الديوان الاول** که در ۱۱۸۷ هـ با تمام رسید و در کتب العلوم پرس حیدرآباد چاپ شد .

۲ - **الديوان الثاني** در لوح محفوظ پرس حیدرآباد دکن چاپ شد

۳ - **الديوان الثالث** در کتب العلوم پرس حیدرآباد دکن چاپ شد

همچنین دیوانی بنام «السبعة السیارة» را مؤلف در ۱۱۷۶ آغار و در ۱۱۹۴ هـ با تمام رسانیده است. نسخه آن بخط مؤلف در کتابخانه یوان نورالحسن لکهنو موجود است  
 نقول سیده منول احمد صمداسی مؤلف حیات حلیل (ح ۲ ص ۱۷۵) یادداشت  
 ش ۱۳۹) مستحبات این هفت دیوان بنام «مختار دیوان آزاد» در آسی پرس لکهنو  
 د ۱۳۲۸ هـ چاپ شده است

**دیوان ناسع و عاشر** (نهم و دهم) آزاد در دحیره سخن اله در علیگره (ص ۱۲۶)  
 موجود است

در فهرست علیگره (سخن انه ص ۱۲۶) و آصفیه ح ۱ ص ۶۹۶ و راه پور فهرست  
 عربی ح ۱ ص ۵۸۶ تنها «دیوان آزاد» بلگرامی ذکر شده است

۴ - **مظهر المركبات** - مشوی در هفت دفتر - اول آن در ۱۱۹۴ هـ تمام  
 شد و دوم و سوم و چهارم آن در ۱۱۹۵ هـ تمام شد و بنقیه آن تاریخ ندارد - نسخه آن  
 بخط مؤلف در آصفیه و خود اسب (رجوع سوده قاموس العلوم ستون ۳۶) و نیز برای  
 نسخ رجوع شوده ما بحسب فهرست عربی ۴۸۱ الف و در سس فهرست عربی (۱۹۰۸ م)  
 ۵ - **شفاء العلیل فی اصلاح کلام ابی الطیب المتنبی** - نسخه آن در کتابخانه  
 سید علی حسین بلگرامی در حیدرآباد دکن و خود اسب رجوع سوده بند بر احمد محله  
 احمد آسیانی سال ۱۹۱۸ ص ۱۲۳ ( CXXIII )

۶ - **شکول** - برای نسخ خطی رجوع سوده آصفیه ح ۳ ص ۶۴۲ س ۲۴۲  
 (اساساً بخط مؤلف) و ش ۲۶۱

۱ - نسخه ای چاپی آن در علیگره موجود است رک دحیره سخن اله کتب چاپی ص ۲۵  
 و آن سال چاپ ۱۲۸۷ هـ ذکر شده است

## تیسرہ بر کتاب

این تذکرہ مشتملست بر دگر پانصد و سی و دو<sup>۱</sup> شاعر متقدم و متأخر ترتیب  
الفا از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و با «افضل الدین محمد کاشانی»<sup>۲</sup> شروع  
شده با «میر محمد یوسف بن میر محمد اسرف (بلگرامی)» تمام میشود  
در مقدمه کتاب مؤلف غیر از حمد و نعت و سب کتاب بحث مختصری در باره  
آغار شعر فارسی آورده است

در مورد سب تألیف کتاب در مقدمه همین توضیح میدهد راقم این کلمات گرامی  
سید اعلام علی بن سید یوحا حسینی واسطی بلگرامی اکثر احوال در آئینه خیال منطبع  
میشد که مجموعه آراستہ شود متضمن اخبار و اشعار شعراء و حال و قدماء صاحب قال تا  
در سه تلث اربعین هجری عربیت سده از بلاد هند و دیار سند بمحروسه سیوستان صابہ الہ  
عن طوارق الرمان اتعاق افتاد استقامت این مقام فی الحملہ فرصتی دست داد لاجرم  
آن تمای حفته بیدار گردید. سامان تدوین از کتب و دواوین متقدمین  
و متأخرین که در کتب خانه وطن بہمہ جہت ہمراہ بود از این راہ ساعد مقصود  
بر طبق خواہش حلوہ نموی نمود اما بہر کیفیت عطلت وقت داعی شد کہ بقدر امکان  
طرح ایکار ناید اداخت و مائده ما حصر مہیا ناید سا حبت۔ گر بسوی قلمی می تراش۔  
پس در واسط سه خمس و اربعین و ہایة و المتعینا ہمب نافتم قریب یکسال کار کردہ و  
ولمعه بوری ارتحلی گاہ سخن بدست آوردم»

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شہرا را مختصرا ماد کر شعرا ی معروف ما سدا نوری  
و حاقانی و سائی عربوی و غیرہ را بسہ مفصل آورده است غالب شعرائی کہ دگر آنها

۱۔ از روی سحہ آقای محمد ابراہیم در گری یاسین پاکستان تعد! د شعرا ۱۳۳۹ (ہرار  
و سیدوسی و سی و نہ) و سپس اسم بیست (۲۰) ہر شاعر کہ «تحلیصاں در کتاب تذکرہ الشعرا  
بمعرض قلم بیامدہ» ذکر شدہ و سائر این عدہ تمام شعرا ی این تذکرہ بالغ بر ۱۳۵۹ میباشد۔

۲۔ در سحہ آقای محمد ابراہیم اسم شاعر اول این کتاب «ابوالحسن قنیداجی» ذکر

در این تذکره آمده است ارتعراى مسأخرين بودند و اکثرشان معروف بودند  
سكاشاى مؤلف عالماً ساده است اما گاهی كلمات عربى را سكار برده است

### صح خطى

- ۱- اشپرنگر ش ۱۳ .
- ۲- بانكى نور ح ۸ ش ۱۲۶ (قسمتى بخط مؤلف)
- ۳- انديا آفس ۳۹۶۶ (ب) ۳ (۱۱۸۷ هـ)
- ۴- آصيه ح ۳ ص ۱۶۲ س ۱۸۶ و ش ۱۵۵ (تذکره «صح حدان» يعنى «يد بيضا» ) .

۵- كتابخانه تحصى آفای محمد ابراهيم در گرهى ياسين (سند ابا كسان عربى  
برای شرح حال آزاد بلگرامى - رجوع سود نه يديضا ( ۱۱۴۸ هـ ) و روضة الاولياء  
( ۱۱۶۱ هـ ) و آثار الكرام ( ۱۱۶۶ هـ ) و سرو آزاد ( ۱۱۶۶ هـ ) و حرا به عامره ( ۱۱۷۶ هـ ) و  
سحة المر حان ( ۱۱۸۷ هـ ) و جمع العباس آرو و مردم دیده حاكم لاهورى ص ۳۴-۳۵ و  
رياض السعرا و سفينه حوسكو و گل رعنا و چمستان شعرا ( اردو ) و صحف ابراهيم ش ۱۹۹ و  
خلاصة الافكار ش ۴۱ و آرايس محفل و سايح الافكار و ولاد محفاء ادمس سلطنى  
آسيائى سگال ح ۹ و رح ۱۸۵۸ ص ۳ - ۱۵۰ و گارس دتاسى ح ۱ ص ۲۵۹ - ۲۶۰  
و آسياتيك مسيائى ( انگليسى ) ح ۱ ص ۸ - ۴۹۷ و آثار مهم تاريخى دكن ( انگليسى )  
تأليف هيگك حاب اله آباد ص ۵۸ و حديق الجميه ( اردو ) تأليف مقبول احمد صدائى  
چاب اله آباد ۱۹۳۹ م ح ۲ ص ۷۷ - ۱۶۳ و فاموس العلوم ( اردو ) تأليف شمس اله  
قادري و ص ۱ اول حاب حيدر آباد ۱۹۳۵ م ستونهای ۳۲-۳۵ و فهرست دانشگاه بمبئى  
۲۰۰ - ۲۰۳ و آزاد بلگرامى ( مقاله ناگليسى ) ارسيدو و حاجب حس ( كه در مجله اخبار  
سلطنى آسيائى سگال سلسله سوم ( مكيناب ) ح ۲ سال ۱۹۳۶ م ص ۳۰ - ۱۱۹  
حاب سده است ) و پرو كمان ديل - ح ۲ ص ۶۰۰ - ۶۶۱ و محبوب الرحمن تذکره سعراى  
دكن ( اردو ) حصه ( حرو ) اول ص ۶۴-۵۴ تأليف مولوى ابوتراب محمد عبدالجبار

(۳) این سح در فهرست اتدكر شده است ر ك استورى ح ۱ ق ۱ ص ۲۶۱

خان صوفی لکناپوری مراری حیدر آبادی حایب طمع رحمانی ۱۳۲۹ھ و سحروران  
بلذکر (اردو) و استوری ج ۱ ص ۸۵۵-۸۶۶

### فہرست اسامی شعرا

فہرست اسامی شعرا ایں کتاب در ہج فہرست کتابخانہ یا کتاب دیگری  
نیامدہ است امدار ابتدای سجدہ حطی متعلق بکتابخانہ آقای محمد ابراہیم فہرست  
اسامی شعرا ہم ذکر شدہ است

## تذکرہ ذنوت

ادندا درای فصاحت پیرا صابعی را سراست کہ دندان سین سخن

### شرح حال و آثار مؤلف

اسم مؤلف در کتاب لمی فطرت طاء اللہ متخاصر بد ذنوت در لکناپور ہندوستان

است

آر مؤلف مذکور است

۱۔ آئین عطا - فرہنگی کہ ۱۲۷۰ ہجری بعد از دہشت سال رحمت سال ۱۱۶۲ھ

نام تمام رحمت بیدہ است - درای سجدہ رجوع مجدد ۱۰ دیا آفیس الہی ۱۵۱۵ھ

۲۔ کلیات ذنوت - درای سجدہ رجوع مجدد ۱۰ دیا آفیس الہی ۱۶۹۵ھ

### تمصرہ بر کتاب

ہو اب ادب ذکر - سال ۱۲۵۹ھ (- ر ۱۰) سنطہ مجددہ (تألیف نموده

۱۔ این تذکرہ مسلسل در ذکر شعرا می باشد و صاحب آن در ہندوستان ہندوستان

۱۔ حصہ اول مستملست در ذکر شعرا ای عربی و از رودکی تا عمر

۲۔ حصہ دوم - مستملست در ذکر شعرا ای قرون چہارم از میر تقی

ابو الفرج سحری

و « هفت گلشن » مشتمل بر دگر شعرائی از قرن پنجم تا یازدهم (هر گلشن برای یک قرن) و یک « حدیثه » یا حاتمیه در دگر شعرای معاصر از قرن دوازدهم

نسخه خطی - رجوع شود به آتش ۶۷۶ (ناقص الاحراست و تنها تا گلشن سوم

دارد - گلشن اول و دوم در این نسخه جدا شده و مشتمل است بر دگر شعرای قرن ۵ و ۶  
از عصری تا جمال الدین عبدالرزاق و گلشن سوم مشتمل است بر شعرای قرن ۷ از کمال  
الدین حلاق المعانی شروع شده و دفعه با جمال الدین تمام میشود - این نسخه تنها  
بر گهای ۳۲ تا ۷۱ دارد صفحه ای ۱۷ سطر و ۴ سطر در حاشیه)

شرح حال مولف : در هیچ کتاب دیده نشده است

فهرست اسامی شعرا در هیچ کتاب ذکر نشده است .

### گلدسته

ابتدا : بسم الله الرحمن الرحيم و نه ستعین من كعبه عرفان انتحاب عرفات  
العارین (العاشقین) تصنیف میر تقی الدین حسینی دفاقی ملیانی که به موجب حکم  
پورالدین محمد جهانگیر پادشاه تذکره الشعرا بعلم آورده

انتخاب کننده

اسم انتخاب کننده این کتاب عبدالوهاب عالمگیری است و اسم پدرش سید  
مصور حان است عبدالوهاب نوه سید دلآورد حان و سیره عیاش الدین حان بن حمله الملك  
اسلام حان مشرفی است

تصویر بر کتاب

اوحدی بغداد تربیب تذکره عرفان العاشقین خلاصه ای از آن تذکره نام  
« کعبه عرفان » صاحب و سپس به موجب امر جهانگیر شاه خلاصه کعبه عرفان را نام  
« ادب کعبه عرفان » تربیب داد و آنرا سه رکن قسمت کرد جنبی و منافی و دیانی



که ترتیب شامل ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر بود .

گلدسته مجموعه‌ایست منتخب از « انتخاب کعبه عرفان » که عبدالوهاب عالمگیری سال ۱۱۵۵ هـ ترتیب داده است و اسامی شعرا را به ترتیب العبا آورده است

ان کتاب با « شروع تنده نامیرا یوسف‌خان تمام میشود مؤلف در آخر کتاب شرح حال مختصری از خیام با مجموعه بعضی رباعیات او ترتیب العبا ( غیر از رباعی اول ) آورده است سپس مجموعه اشعاری تحت عنوان موضوع‌های مختلف آورده است. این عوامها نیز ترتیب العبا است

نسخه خطی : بانکي پور ح ۸ ش ۶۹۲ (قرن ۱۸ میلادی)

برای شرح حال عبدالوهاب عالمگیری رجوع شود به گلدسته و استوری

ح ۱ ص ۸۱

فهرست اسامی شعرا: در هیچ کتاب ذکر نشده است

## بهارستان سخن

ابتدا

« طراوت بهارستان سخن تا بیاری ستایش حرف آفرینی است که عدلیب ناطقه زانه ترانه خوش بربائی سخن مترجم صاحب و نصارت سندان سرای کلام نه سالی فصیح بیابیب که گلدسته کلمات معجز سمب وی حدایق مسامع گوش مستعان هدایب توامان را شمراست سعادت انسان »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میر عبدالرزاق ملک به صمصام الذوئه است اصلش از

خواجه نسب و حد بررگش میر کمال الدین در زمان آکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ)  
بهند آمد و در سلطه ملامین وی مسلک شد

پسر میرک حسین در زمان جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ) در خدمت  
در گاه سلطانی بود و سر میرک حسین نام میرک معین الدین ملقب به امامت خان  
در زمان شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ هـ) به منصب عالی مفتخر بود و در زمان اورنگ  
زیب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ هـ) دیوانی لاهور و ملتان و کابل و کشمیر سرافراری  
داس و هنگامیکه ساهراده عالم صوبه داری (اسما داری) ملتان منصوب شد  
امامت آن علاوه بر منصب دیوانی بیاد صوبه داری را هم داس و در زمانی که  
پادشاه در هند بود صوبه داری کن به خان جهان کو کلتاس و دیوانی دکن و حشیگری  
و وقایع نگاری به امامت خان مرحمت شد

از حمده سران امامت خان چهار نفر به مراتب عالی رسیدند

۱- سر عبدالعادر داس خان و ۲- رحمت خان امامت خان و میر عبدالرحمن وزارت خان  
مدحاص نگرامی و کاظم خان

وزارت خان گرامی سمب دیوانی دیوانی در اداس و سعراهم میگفت و صاحب  
یک دیوان اسعار بود و کاظم خان سمب دیوانی ملتان را داس

میر حسن عالم کالم خان که در صمصام الدوله شاهنواز خان  
بود وی پس از آنکه در کابل از لایم با رسید صمصام الدوله  
به میر حسین امامت خان قوی میر شد

میر عبدالرزاق نور ۲۹ رمضان ۱۱۱۱ هـ در لاهور متولد شد و چون اکثر  
مردیکان وی در نورنگ آباد بودند وی در اوایل امام حیرانی داورنگ آباد متقل  
شد و ایسیگاه نواب آصف چاه (۱۱۲۲-۱۱۶۱ هـ) به منصبی سرافراز شد و چندین بعد  
دیوان پادشاهی صوبه (استان) برار مآورد و مدتی آن به سرانندست داشت  
و هنگامی که در سال ۱۱۵۰ هـ محرم ماه ۱۰ ماهه ۱۱۳۱-۱۱۶۱) آصف چاه را  
بخصوص خود طلب کرد نواب آصف چاه سر خود نواب نظام الدوله ناصر جنگ